

مجموعه پرسش  
هایی مهم برای  
خانوادهٔ مسلمان

## شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع  
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.



Telephone: +966114454900



ceo@rabwah.sa



P.O.BOX: 29465



RIYADH: 11557



www.islamhouse.com

به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

## مقدمه

ستایش از آن الله است، حمد او را می گوئیم و از او یاری و آموزش می خواهیم، و از بدی های نفس خویش، و کارهای ناشایست خود به الله پناه می بریم، الله هرکه را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت، و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می دهیم که معبودی به حق نیست جز الله، که تنها و بی شریک است، و گواهی می دهیم که محمد بنده و پیامبر اوست، درود و سلام الله بر او و بر آل و اصحابش و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد: برای «مؤسسه خیریه شیخ محمد بن صالح العثیمین» جای خوشحالی دارد که این فتاوی با ارزش از شیخ ما، علامه محمد بن صالح العثیمین. رحمه الله تعالی. را تقدیم خوانندگان کند.

از الله تعالی خواهانیم که این کار را خالصانه برای خودش قرار دهد، و موافق خشنودی اش قرار دهد، و برای بنده هایش سودمند سازد، و برای شیخ مؤلف با منت و کرمش اجر و پاداش بنویسد، و درجات او را در هدایت یافتگان بالا برد، و در فراخنای بهشتش جای دهد، همانا او شنوا و اجابتگر است.

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب ایشان و همه کسانی باید که به نیکی از آنان پیروی کنند.

## بخش علمی

در مؤسسه خیریه شیخ محمد بن صالح العثیمین

## استفاده از کلاه گیس

- از میان ادواتی که زنان برای زیبایی از آن استفاده می کنند، چیزی است به نام «کلاه گیس» و این موی است مصنوعی (یا ساخته شده از موی کسی دیگر) که بر روی سر گذاشته می شود. آیا استفاده از آن برای زنان جایز است؟

استفاده از کلاه گیس حرام است، زیرا در «وصل» وارد است، و اگر «وصل» هم نباشد، باز هم موی زن را بلندتر از آنچه که هست نشان می دهد و از این نظر به وصل شبیه می شود، و رسول الله . **صلی الله علیه وسلم** . زنانی را که [برای دیگر زنان] مو وصل می کنند و زنانی که برایشان مو وصل می شود را لعن نموده اند.

اما اگر بر روی سر زنی اساساً موی نباشد مانند آنکه بی مو باشد، استفاده از کلاه گیس در این حالت اشکالی ندارد؛ تا این عیب را بپوشاند؛ زیرا از بین بردن عیب جایز است؛

برای همین پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . به آن شخصی که در یکی از جنگ ها بینی اش قطع شده بود اجازه دادند که بینی ای از طلا برای خود بگذارد، و مانند آنکه کسی بینی اش کج باشد و آن را اصلاح کند، یا لکه هایی سیاه را مثلاً [از روی بدن خود] بردارد، که این اشکالی ندارد.

اما اگر برای کاری جز برداشتن عیب باشد، مانند خالکوبی یا برداشتن ابرو، این ممنوع است، و استفاده از کلاه گیس حتی با اجازه شوهر و رضایت او نیز حرام است؛ زیرا درباره آنچه الله حرام ساخته اجازه و خشنودی جایی ندارد.

## کندن مو

ملاحظه شده که برخی از زنان موی ابروهایشان را برمی دارند یا نازکش می کنند؛ و این به هدف زیبایی و آرایش است. حکم این کار چیست؟

این مسئله بر دو نوع واقع می شود:

نوع نخست: اینکه این کار با کندن [موی ابرو] باشد؛ که این حرام است، و بلکه از گناهان کبیره است؛ زیرا این کار از «نمص» است که رسول الله . **صلی الله علیه وسلم** . انجام دهنده اش را لعن نموده است.

دوم: اینکه به روش قیچی کردن و تراشیدن باشد، که در این باره میان علما اختلاف است که آیا این هم جزو نمص است یا خیر؟ و اولی آن است که از این کار دوری کند.

اما اگر مویی غیر عادی باشد به طوری که در جاهایی بیرون آمده باشد که عادتاً مو ندارد، مثل آنکه زن موی سبیل داشته باشد یا روی گونه اش مو باشد، برداشتن این اشکالی ندارد؛ زیرا این خلاف عادت است، و باعث زشت شدن زن می شود.

اما ابرو، اصل این است که باریک باشد، و ممکن است که کلفت و پهن باشد، اما اگر شکلش عادی است به آن دست نزنند؛ زیرا مردم این را عیب نمی دانند بلکه نبودن آن را از دست رفتن زیبایی می دانند، و بودنش را از زیبایی حساب می کنند، و این از جمله اموری نیست که عیب به حساب آید تا انسان نیاز به برداشتنش داشته باشد.

## برجسته ساختن مو بر روی سر

- همچنین یکی از روشهای زنان برای زیبایی و آرایش این است که چیزی را روی سر قرار می دهد تا موها روی سر جمع شود. حکم این کار چیست؟

و اگر بر روی سر جمع کرده شود؛ این در هشدار پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . داخل است که می فرماید: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده ام» و پس از ذکر حدیث فرمود: «زنانی که پوشیده اند [اما در حقیقت] برهنه اند، و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند، و دیگران را نیز به انحراف [و فتنه] می کشانند» اگر مو روی سر [جمع شده] باشد در این باره نهی وارد شده، اما اگر مثلاً بر گردن باشد این اشکالی ندارد، مگر آنکه زن به بازار برود که در این حال از جمله تبرج و خودنمایی است؛ زیرا از پشت لباس مشخص می شود، و این از باب تبرج و از اسباب فتنه است بنابراین جایز نیست.

پدیده ای این روزها ترویج یافته که دختران برای زیبایی موهایشان را تا کتف کوتاه می کنند، و کفش هایی با پاشنه خیلی بلند می پوشند، و از لوازم آرایشی استفاده می کنند. حکم این کارها چیست؟

کوتاه کردن موی زن یا به شکلی است که شبیه مردان شود، که این جایز نیست، و از گناهان کبیره است؛ زیرا پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . زنانی را که خود را به مردان شبیه می سازد لعن کرده اند، و یا به شکلی است که به حد شبیه شدن به مردان نمی رسد، علما در این باره بر سه قول هستند: برخی گفته اند جایز است و اشکالی ندارد، و برخی گفته اند حرام است، و برخی گفته اند مکروه است، و مشهور از مذهب امام احمد این است که مکروه است. در حقیقت ما نباید هر عادتی از عادات دیگران را که به ما رسیده

بپذیریم. ما تا دورانی نه چندان دور می دیدیم که زنان به زیاد بودن موی سرشان بر یکدیگر مباحثات می ورزیدند. چه شده که امروز علاقه دارند موهایشان را کوتاه کنند و کاری را انجام دهند که از سرزمین های دیگر به ما رسیده است، من هر چیز جدیدی را انکار نمی کنم، اما نسبت به هر چیزی که باعث می شود جامعه به عادات برگرفته از غیر مسلمانان منتقل شود، انکار می کنم. اما کفش های پاشنه بلند، اگر از حالت عادی خارج شود، و به تبرج و انگشت نما شدن زن، و جلب توجه به او بینجامد، جایز نیست؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿... وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ ... [الأحزاب: 33]﴾

{و همچون جلوه گری [زنان در دوران] جاهلیت پیشین، جلوه گری [و خودنمایی] نکنید} [احزاب: ۳۳].

هر چیزی که باعث تبرج و انگشت نما شدن زن و متمایز شدن او از بین زنان از نظر زیبایی شود، حرام است، و برایش جایز نیست.

اما استفاده از لوازم آرایش اگر باعث زیان [به او] یا فتنه نشود اشکالی ندارد.

- حکم استفاده از سرمه برای زن چیست؟

سرمه بر دو نوع است:

یکی از آنها: سرمه زدن برای تقویت چشم و روشن شدن و پاک شدن چشم است، بدون آنکه به زیبایی بینجامد. این اشکالی ندارد، بلکه باید انجام شود. زیرا پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . سرمه در چشمان خود می کردند، به ویژه اگر با «اثمد» باشد.

نوع دوم: آنچه به قصد زیبایی و زینت باشد. این برای زنان مطلوب است؛ زیرا زیبا ساختن زن برای شوهرش کاری مطلوب است.

اما دربارهٔ مردان محل نظر است، و من در این باره متوقف هستم، و شاید در این باره میان جوانی که سرمه زدنش باعث فتنه شود و از این رو این کار برایش منع شود، و بزرگسالی که در صورت سرمه زدن ترسی بر او نیست، تفاوت قائل شد.

## زن در یک حدی خود را زیبا می سازد و آرایش می کند

- آیا برای زن جایز است که برای شوهرش از لوازم آرایش مصنوعی استفاده کند؟ و آیا جایز است که با این آرایش در برابر خانواده اش و زنان مسلمان ظاهر شود؟

زن در حدود مشروع برای شوهرش آرایش می کند و این از اموری است که شایسته است انجام دهد؛ زیرا زن هر چه بیشتر خود را برای شوهرش زیبا سازد باعث بیشتر شدن محبت او، و الفت بین آنها می شود، و این از مقاصد شریعت است، یعنی آرایش اگر او را زیبا سازد و زینتی برایش نداشته باشد، اشکالی ندارد. اما من شنیده ام که لوازم آرایشی برای پوست زینبار است، و به تغییر پوست و زشت شدن آن می انجامد قبل از آنکه به سبب پیری تغییر کند، و از زنان خواهش می کنم در این باره از پزشکان پرسند. و اگر این ثابت شد، استفاده از لوازم آرایش یا حرام است یا حداقل مکروه؛ زیرا هر چیزی که باعث تخریب چهره و زشت شدن انسان شود، یا حرام است یا مکروه. به این مناسبت دوست دارم دربارهٔ چیزی که به آن «مانیکور» می گویند یک یادآوری بکنم. این مانیکور چیزی است که بر روی



ناخن های زنان کشیده می شود و جرم دارد، و استفاده از این برای زن اگر می خواهد نماز بخواند جایز نیست؛ زیرا مانع از رسیدن آب در وضو می شود، و هر چیزی که مانع از رسیدن آب بشود استفاده از آن برای کسی که می خواهد وضو بگیرد یا غسل کند جایز نیست؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿...فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ...﴾ [المائدة: 6]

{پس چهره ها و دستانتان را [در وضو] بشوید} [مائده: 6]

و کسی روی انگشتانش لاک ناخن بود، این مانع از رسیدن آب می شود و در مورد او این صادق نیست که دستشانش را شسته است، در نتیجه یکی از فرایض وضو یا غسل را ترک کرده است، اما اگر از زنانی باشد که نماز نمی خواند اشکالی ندارد از آن استفاده کند مگر آنکه این کار از ویژگی های زنان کافر باشد؛ در این حالت این کار جایز نیست زیرا شامل شبیه ساختن خود به آنان است. من شنیده ام که برخی فتوا داده اند که این از جنس پوشیدن حُف (پاپوش) است و جایز است که زن اگر مقیم است به مدت یک شبانه روز از آن استفاده کند، و اگر مسافر است به مدت سه شبانه روز، اما این فتوا غلط است، و هر چیزی که مردم با آن بدن هایشان را بپوشانند به حُف ملحق نمی شود، شریعت مسح خفین را به این علت جایز دانسته چونکه غالباً این چیز مورد نیاز است، چرا که پاها نیاز به گرم شدن و پوشانده شدن دارند؛ و مستقیماً با زمین و سنگریزه و سرما و دیگر چیزها در ارتباط هستند، در نتیجه شارع برای آنها مسح را قرار داده است. و شاید ادعا کنند که این بر عمامه قیاس می شود [یعنی بر مسح بر عمامه] اما این صحیح نیست؛ زیرا محل عمامه سر است، و فرض سر اساساً خفیف است، زیرا فریضه در مورد سر مسح سر است، بر خلاف صورت که فرضش شستن است، برای همین پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . برای زنان

این را مباح نساخت که بر دستکش مسح کند با وجود آنکه دستکش، دست را می پوشاند. و در صحیحین از حدیث مغیره بن شعبه آمده که «پیامبر . صلی الله علیه وسلم . وضو گرفت در حالی که جبه ای بر تن ایشان بود که آستین هایش تنگ بود، پس نتوانست دستانش را [برای شستن] از آن بیرون بیاورد، پس دستانش را از زیر جبه بیرون آورد و آنها را شست» این نشان می دهد که برای انسان جایز نیست که هر چیزی را که مانع از رسیدن آب می شود را بر عمامه و بر خفین قیاس کند.

بر مسلمان واجب است که همه تلاش خود را برای شناخت حق به کار گیرد، و فتوا ندهد مگر آنکه احساس کند که الله تعالی درباره آن از او خواهد پرسید؛ زیرا [فتوا] تعبیری است از شریعت الله عزوجل.

- حکم پوشیدن لباس های تنگ و شلوار برای زنان چیست؟

لباس تنگ و شلوار شایسته زن نیست، پس اگر غیر محارمش او را ببیند شکی در تحریم آن نیست؛ زیرا فتنه ای بزرگ در آن است. و از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . ثابت است که فرمودند: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده ام... زنانی که پوشیده اند [اما در حقیقت] برهنه اند، و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند و دیگران را نیز به انحراف [و فتنه] می کشانند» تا آخر حدیث، برخی از علما این پوشیده های برهنه را به زنانی تفسیر کرده اند که لباسی می پوشند اما او را کامل نمی پوشاند، که این یا به سبب تنگی آن یا به سبب نازکی و یا به سبب کوتاهی اش، و بر این اساس زن باید از آن دوری گزیند.

## پوشیدن جین از تشبه (شبیه ساختن خود به کافران) نیست

- نوعی پارچه وجود دارد که به آن جین می گویند و به روش های مختلف دوخته می شود و برای لباس کودکان - پسر و دختر - به کار می رود و پارچه ای محکم است. مشکل این است که این پارچه را کافران و دیگران به شکل شلوارهای تنگ می پوشند و این نوع لباس مشهور است. سوال این است: آیا پوشیدن این پارچه به شکل های مختلفی جز شلوار تنگ به دلیل محکمی و کیفیت آن در معنای تشبه [به کافران] داخل است؟

تشبه معنایش آن است که انسان چیزی را که مخصوص آنان است بپوشد. بنابراین اگر از این پارچه یا دیگر پارچه ها به شکلی استفاده کرد [و لباسی دوخت] که شبیه لباس کافران بود، در شبیه ساختن خود به کافران داخل شده، اما صرف اینکه لباس کافران از این پارچه باشد اما به شکلی دیگر دوخته شده باشد که مشابه لباس کافران نباشد، این اشکالی ندارد، تا وقتی که مخالف روش کافران باشد، حتی اگر به استفاده از این پارچه مشهور باشند، و شکل [لباس] شبیه آنچه کافران می پوشند، نباشد [ایرادی ندارد].

- می دانیم که عموی زن از محارم اوست که جایز است در برابر آنها حجاب نداشته باشد. اما اگر عموی زن با او شوخی های زشت می کند، آیا جایز است که به دلیل این شوخی های نامناسب نزد او نیاید؟

اگر عموی با دختران برادرش شوخی های مشکوک بکند، برای آنان حلال نیست که نزد او بیایند، و صورت خود را در برابر او آشکار کنند؛ زیرا علمایی که مباح دانسته اند زن در برابر محرم چهره اش را آشکار کند، این

شرط را قرار داده اند که فتنه ای وجود نداشته باشد، و این مردی که با برادرزاده هایش شوخی های زشت می کند، از او بر آنان ترس فتنه می رود، و واجب است که از اسباب فتنه دوری کرد. و این را عجیب ندان که برخی از مردم ممکن است نسبت به محارم خود میل داشته باشند - والعیاذ بالله - و این تعبیر قرآنی را ببین که الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [النساء: 22]

{و با زنانی که پدرانتان [با آنها] ازدواج کرده اند، [پس از مرگ پدر] ازدواج نکنید؛ مگر آنچه [از این نوع ازدواج که در زمان جاهلیت] رخ داده [و بخشوده شده است چرا که] بی تردید، این کار، عملی زشت و تنفرانگیز و راهی نادرست است} [نساء: ۲۲]، و درباره زنا می فرماید:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ الَّذِي كَانَتْ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: 32]

{و به زنا نزدیک نشوید، زیرا [بی نهایت] زشت است و راه بسیار بدی است} [اسراء: ۳۲]، و این نشان می دهد که نکاح با محارم، زشت تر از زناست.

خلاصه پاسخ آنکه: بر آنها واجب است که از این عمویشان دوری کنند، و تا وقتی که این شوخی زشت و مشکوک را از او می بینند، چهره خود را در برابر او آشکار نکنند.

## مدل مو

- آیا برای زن جایز است که موی سرش را به روش امروزی در بیاورد، و هدفش شبیه ساختن خود به کافران نباشد بلکه برای شوهرش چنین کند؟

بر اساس آنچه به من رسیده، آرایش و مدل دادن مو با قیمت های خیلی بالا انجام می شود که شاید بشود آن را هدر دادن مال دانست، و نصیحت من به زنان این است که از این ریخت و پاش دوری کنند، و زن باید به شکلی که باعث هدر رفتن پول نشود خود را برای شوهرش آرایش کند؛ زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم**. از هدر دادن مال نهی کرده اند.

- حکم کاری که برخی از زنان انجام می دهند و مدل هایی را از مجلات مد زنانه برمی دارند اگر بدون قصد پیروی از مد و پیروی از غرب باشد چیست؟ آیا این شبیه ساختن خود به کافران به شمار می آید؟ در حالی که زنان چیزهایی را که غرب تولید می کنند از جمله لباس و دیگر چیزها را استفاده می کنند؟

من بسیاری از این مجلات را بررسی کرده ام و آن را مجلاتی مبتذل و زشت و خبیث یافته ام. برای ما که در این کشور عربستان سعودی هستیم - حکومتی که الحمدلله در دنیا شبیه آن را در حفاظت از شرع پروردگار و اخلاق نیک نمی یابیم - برای مایی که در چنین کشوری زندگی می کنیم شایسته نیست که چنین مجلاتی در فروشگاه های ما و در خیاطی ها باشد، زیرا شکل این مجلات زشت تر از آن چیزی است که می گویند، و برای هیچ زن و مردی جایز نیست که این مجلات را بخرد یا به آن نگاه کند زیرا فتنه است. شاید انسان این مجلات را بخرد و گمان کند که از [آثار بد] آن در امان می ماند، اما همچنان نفس و شیطان او را می فریبند تا آنکه در تله آن

گرفتار می شود، و لباسهایی را انتخاب می کند که با محیط اسلامی او نمی سازد. من همه زنان و کسانی که امور آنها را بر عهده دارند را از بودن این مجلات در خانه هایشان برحذر می دارم، زیرا فتنه ای بزرگ را با خود دارد، و برای اخلاق و دین ما خطرناک است.

## لایه های روبنده

- پوششی که زن بر روی صورتش استفاده می کند چند لایه دارد. لازم است که زن چند لایه از این پوشش بر روی صورتش باشد؟

برای زن واجب آن است که چهره خود را از مردان نامحرم با استفاده از پوششی که رنگ صورت را نمایان نمی سازد بپوشاند؛ چه این پوشش یک لایه باشد یا دو لایه یا بیشتر، یعنی اگر این نقاب ضخیم باشد و صورت از پشت آن نمایان نباشد، یک لایه کافی است، و اگر کافی نیست دومین یا سومین یا چهارمین لایه را به آن می افزاید. مهم آن است که رنگ پوست را نشان ندهد؛ اما آن روبنده ای که رنگ پوست را نشان می دهد - چنانکه بعضی از زنان استفاده می کنند - کافی نیست. این هدف نیست که زن فقط چیزی روی صورتش باشد، بلکه هدف پوشاندن صورت اوست تا برای غیر محارم آشکار نباشد. برای زنان واجب است که درباره خودشان و دختران جامعه شان تقوای الله را رعایت کنند، زیرا زن اگر با چهره آشکار یا شبه آشکار بیرون برود، زنی دیگر هم از او پیروی می کند، سپس دومی و سومی و اینگونه این چیز در میان زنان منتشر می شود، حال آنکه از پیامبر **صلی الله علیه و سلم**. ثابت است که فرمودند: **«هر که در اسلام سنتی بد به جا بگذارد، گناه او و گناه کسانی که تا روز قیامت به آن عمل کنند بر او خواهد بود»**، و این سرزمین ما - الحمدلله - کشوری است که دینش را حفظ کرده است، در عبادت و اخلاق و معاملات و این همان چیزی است که باید

باشد. این سرزمینی است که الحمدلله نور اسلام از آن بیرون آمده و به آن باز می‌گردد، بنابراین واجب است که ما دین و رفتار و اخلاقمان را که از شریعتمان برگرفته ایم حفظ کنیم، تا همواره بهترین امتی باشیم که به سوی مردم بیرون آمده‌اند.

و نباید هر چیز جدیدی را که از خارج آمده بپذیریم، بلکه باید این چیز جدید را بررسی کنیم، اگر مصلحتی در آن باشد و اشکال شرعی نداشته آن را برمی‌گیریم، و اگر اشکال شرعی در آن بود آن را نمی‌پذیریم، و از جوامع خود دور می‌سازیم؛ تا آنکه دین و اخلاق و رفتار خود را حفظ کنیم.

## استفاده از زیپ برای لباس زنان

- برخی از زنان عادت دارند در پشت لباسشان زیپ قرار دهند، تا وقتی که می‌خواهند لباس را بیورند، این زیپ را باز کنند. حکم این کار چیست؟

اشکالی در اینکه پشت لباس زیپ باشد نمی‌بینم جز اینکه از باب شبیه ساختن [به کافران] باشد، اما امروزه این چیز بسیار در بین مسلمانان شایع است.

و اصل در عادات، حلال بودن است. اصل در عادات و معاملات و غذاها و دیگر موارد این است که حلال است، مگر آنچه دلیل بر تحریم آن باشد، بر خلاف عبادات که اصل در آن منع است، مگر آنکه دلیلی بر مشروعیت آن باشد.

## زن چهره اش را در حرم آشکار نمی کند

- بسیاری از زنان درباره حکم آشکار کردن صورت در حرم می پرسند، چون از برخی شنیده اند که آشکار کردن چهره زنان در حرم و در حال عمره جایز است. قول نهایی در این مسئله چیست؟

قول نهایی این است که برای زن جایز نیست که چهره اش را آشکار کند، نه در مسجد الحرام و نه در بازارها و نه در مساجد دیگر. بلکه واجب است اگر مردانی بیگانه نزد او هستند چهره اش را بپوشاند؛ زیرا چهره عورت است، زیرا نصوص کتاب الله، و سنت پیامبرش **صلی الله علیه وسلم**. و نظر صحیح همه دال بر این است که زن باید چهره اش را از مردان نامحرم بپوشاند؛ زیرا آشکار ساختن چهره باعث فتنه و انگیزش شهوات [در مردان] است.

و شایسته نیست که فریفته بی مبالاتی و ترک حجاب برخی از زنان که چهره و مو و گردن و بازوها و سینه هایشان را آشکار می سازند و در بازارها راه می روند چنانکه در خانه خود هستند، شود.

بلکه لازم است که درباره خود و بندگان الله تقوای الله را رعایت کند، زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم** می فرماید: «پس از خود برای مردان فتنه ای زیان بارتر از زنان رها نکرده ام».

اما کسی که برای حج یا عمره احرام کرده است، برای او مشروع آن است که در خانه و خیمه چهره اش آشکار باشد، و همچنین واجب است هرگاه مردان نامحرم اطراف او بودند چهره اش را بپوشاند، چه در مسجد و چه در جاهای دیگر.



## لباس های کوتاه

- در برخی از کشورهای اسلامی پدیده لباس های [زنان] تا زانو شایع است تا جایی که برخی از این زنان از روی سهل انگاری لباسشان را کمی از زانو هم بالاتر می آورند. نصیحت شما برای کسانی که به حجاب اهمیت نمی دهند چیست؟

اظهار ساق پا برای نامحرم حرام است و اظهار چهره برای نامحرم شدیدتر است، زیرا آنقدر که مردان از دیدن چهره به فتنه می افتند، از دیدن ساق پا دچار فتنه نمی شوند.

کتاب و سنت دال بر وجوب حجاب است، و ما در رساله ای به نام «رساله حجاب» که کتابچه ای مختصر است، این مورد را تبیین کرده ایم، اما آن احادیثی که ظاهرش دال بر جواز است، دو پاسخ به آن داده ایم: یکی پاسخ مجمل، و دیگری پاسخ مفصل به هر دلیلی که گفته اند دال بر جواز آشکار کردن چهره است. و نصیحت من به همه زنانی که لباس های کوتاه تا زانو و بالاتر از آن می پوشند این است که در مورد خود و جامعه شان از الله بترسند، و سبب شیوع این پدیده بد نشوند، زیرا پیامبر **صلی الله علیه و سلم** می فرمایند: «هر که در اسلام سنتی بد به جا بگذارد گناه او و گناه کسانی که تا روز قیامت به آن عمل کنند بر او خواهد بود».

## منظور از موی کج

- رسول الله **صلی الله علیه وسلم** می فرمایند: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده ام: گروهی که تازیانه هایی چون دُم گاو با خود دارند و با آن مردم را می زنند. و [گروه دوم] زنان نیمه برهنه ای که لباس دارند، اما در حقیقت برهنه اند، و [از راه درست و از مسیر اطاعت

پروردگار] منحرف هستند و دیگران را نیز به انحراف و فتنه می کشانند؛ سرهایشان را مانند کوهان شتر برآمده می سازند؛ اینها وارد بهشت نمی شوند و بوی بهشت به مشام شان نمی رسد؛ حال آنکه بوی بهشت از مسافتی دور احساس می شود». می خواهیم بدانیم که منظور از «ممیلات» چیست؟ آیا زنانی که مویشان را به شکل کج شانه [و جمع می کنند] در این وارد هستند یا منظور زنانی است که مردان را به سمت خود مایل می کنند؟

رسول الله . صلی الله علیه وسلم . در این حدیث می فرماید: «دو گروه از اهل دوزخ هستند که آنان را ندیده ام» سپس یک گروه را ذکر کردند و دربارهٔ گروه دوم فرمودند: «زنانِ نیمه برهنه ای که لباس دارند، اما در حقیقت برهنه اند و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند و دیگران را نیز به انحراف و فتنه می کشانند؛ سرهایشان را مانند کوهان شتر برآمده می سازند؛ اینها وارد بهشت نمی شوند و بوی بهشت به مشام شان نمی رسد؛ حال آنکه بوی بهشت از مسافتی دور احساس می شود» مائله در معنای عامش هر زنی است که با لباس یا ظاهرش یا سخنش یا دیگر امور از صراط مستقیم منحرف شود، و ممیلات یعنی زنانی که دیگران را به سمت خود مایل [و منحرف] می کنند، و این از طریق کارهای فتنه انگیز است تا آنکه هر یک از بندگان الله که به سویشان مایل است، به سویشان مایل شود. اما دربارهٔ مدل موی کج، برخی از علما گفته اند که در این معنا وارد است؛ زیرا زن آن را کج قرار می دهد و سنت برخلاف آن است، برای همین برای زنان شایسته است که از این مدل موی دوری کنند، زیرا احتمال دارد که در این حدیث داخل باشد، و این قضیه اصلاً ساده نیست که زن درباره اش سهل انگاری کند، بنابراین بهتر و اولی آن است که انسان آنچه را باعث شک است ترک کرده و چیزی را انجام

دهد که شکی در آن نیست، و مدل های مو بسیار است و انسان را از مدل حرام بی نیاز می کند.

## خلوت کردن زن با راننده مرد

- برخی از مردم دختران خود را با رانندگان نامحرم به مدرسه و دیگر جاها می فرستند و به نتیجه این کارها توجه نمی کنند. لطفا آنان را نصیحت کنید.

این کار از دو حالت خارج نیست:

نخست: اینکه راننده به همراه گروهی از زنان باشد که با یکی از آنان تنها نشود؛ این اشکالی ندارد اگر در داخل شهر باشد، و پیامبر **صلی الله علیه وسلم** می فرماید: **«مردی با زنی خلوت نکند»**، و این از جمله خلوت نیست، البته به شرط امانتداری راننده، اما اگر امین نباشد جایز نیست که با زنان تنها شود مگر با وجود یک مرد محرم عاقل. دوم: اینکه زنی به تنها با آن راننده برود، که این جایز نیست ولو آنکه یک دقیقه باشد؛ زیرا خلوت کردن حرام است و پیامبر **صلی الله علیه وسلم** از آن نهی کرده و فرموده است: **«هیچ مردی با زنی خلوت نکند»**، و بیان کرده اند که شیطان سومین آنان است. بر این اساس، برای اولیای امور زنان جایز نیست که زنان را در این حالت با رانندگان تنها بگذارند، هما نظور که برای خود او جایز نیست که بدون محرم سوار شود؛ زیرا این معصیت و سرپیچی از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** است و در نتیجه معصیت الله تعالی است؛ زیرا هر که از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** اطاعت کند در واقع از الله اطاعت کرده است:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...﴾ [النساء: 80]

{آنکه از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از الله اطاعت کرده است} [نساء: ۸۰]، و می فرماید:

﴿... وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: 36]

{و هر که از الله و پیامبرش سرپیچی کند، بی شک دچار گمراهی آشکاری شده است} [احزاب: ۳۶]، بنابراین ای برادران و خواهران مسلمان، بر ما واجب است که مطیع الله و مطیع امر او و امر پیامبرش . صلی الله علیه وسلم . باشیم، زیرا این دارای سود بسیار و عاقبت نیک است، و بر ما مسلمانان لازم است که دربارهٔ محارم خود غیرتمند باشیم و آنان را برای شیطان رها نسازیم که با آنان بازی کند، زیرا شیطان انسان را به سوی فتنه و گمراهی می کشاند. و من برادرانم را دربارهٔ غفلت و بی مبالاتی هشدار می دهم؛ چرا که الله تعالی دروازهٔ زیبایی های دنیا را به روی ما گشوده است، بنابراین باید حواسمان به این آیه باشد که الله تعالی می فرماید:

﴿وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ ﴿۴۱﴾ فِي سَمُومٍ وَخَمِيمٍ ﴿۴۲﴾ وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ ﴿۴۳﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿۴۴﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿۴۵﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿۴۶﴾﴾ [الواقعة: 41-46]

{و یاران دست چپی، چه یاران دست چپی؟ [چه حال و مقصد بدی دارند]} [واقعه: ۴۱-۴۶]، و این سخن حق تعالی را به یاد داشته باشیم که:

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿۱۰﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿۱۱﴾ وَيَصَلِّي سَعِيرًا ﴿۱۲﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۱۳﴾﴾ [الانشقاق: 10-13]

{و اما کسی که نامۀ [اعمال او] از پشت سرش به او داده شود، به زودی نابودی خود را خواهد طلبید} [انشقاق: ۱۰-۱۳].

- آیا کوتاه کردن گوشه های موی سر توسط زن حلال است یا حرام؟

کوتاه کردن موی سر توسط زن اگر در حج یا در عمره باشد، از جمله مناسب است و باعث نزدیکی به الله می شود، و برایش پاداش می برد؛ زیرا زن هرگاه حج یا عمره را به جا بیاورد از هر دسته از موهای خود به اندازه یک بند انگشت کوتاه می کند.

اما اگر در غیر حج یا عمره باشد و مویش را آنقدر کوتاه کند که شبیه به موی مردان شود، این کار حرام است بلکه از جمله گناهان کبیره است؛ زیرا پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . «زنانی که خود را به مردان شبیه می سازند، و مردانی که خود را به زنان شبیه می کنند، لعن نمودند». ولی اگر گوشه های موهایش را کوتاه کند و هنوز مویش همانند موی زنان باشد، این برحسب آنچه فقهای حنابله - رحمهم الله - گفته اند، مکروه است. برای همین شایسته است که زن چنین نکند.

- حکم کوتاه کردن موی زن [به طوری که] از پشت تا کتف های او باشد چیست؟

علما کوتاه کردن موی زن را مکروه دانسته اند، و گفته اند: برای زن کوتاه کردن مو مکروه است مگر در حج یا در عمره، و این قول مشهور در مذهب حنابله - رحمهم الله تعالی - است.

و برخی از علما این را حرام دانسته اند و گفته اند: این کار جایز نیست. برخی نیز آن را به شرط آنکه شبیه به زنان غیر مسلمان نباشد یا شبیه به مردان نباشد، مباح دانسته اند. زیرا شبیه شدن زنان به مردان حرام است، و

بلکه از گناهان کبیره است؛ زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم**. «زنانی که خود را به مردان شبیه می سازند و مردانی که خود را به زنان شبیه می کنند، لعن نمودند».

و شبیه ساختن مردان به زنان و شبیه ساختن زنان به مردان از گناهان کبیره است. حال اگر زنی سر خود را شبیه سر مردان کند در این لعن وارد می شود - والعیاذ بالله - و لعن یعنی طرد و دور شدن از رحمت الله.

اما درباره شبیه ساختن خود به زنان غیر مسلمان، پیامبر **صلی الله علیه وسلم** می فرماید: «هر که خود را به قومی شبیه سازد از آنان است». و بهتر آن است که موی خود را کوتاه نکتی؛ نه از جلو و نه از پشت؛ زیرا من دوست ندارم که زنان ما هر چیز جدیدی را که از عادات و سنت های غیر مفید [به سرزمین ما] وارد می شود، بپذیرند؛ زیرا باز کردن دل‌هایمان در برابر این امور، شاید به چیزهایی بینجامد که عاقبت خوبی ندارد، یعنی توسع و زیاده روی در اموری که در شرع مباح نیست، و شاید به تبرج و زینت نمایی بینجامد که زنان در دیگر اماکن انجام می دهند، ممکن است باعث شود که زن چهره خود را آشکار کند و آشکار کردن چهره برای نامحرم حرام است.

- آیا رنگ کردن موی سفید با رنگ سیاه جایز است؟

تغییر رنگ موی سفید با رنگ سیاه، حرام است؛ زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم**. امر به اجتناب از آن کرده اند، و فرموده اند: «این موی سفید را تغییر دهید، و از [رنگ] سیاه دوری کنید».

درباره کسی که با رنگ سیاه مویش را رنگ کند وعید شدید وارد شده، و این مقتضی است که از گناهان کبیره باشد. بنابراین واجب بر مرد و زن

مسلمان دوری از این کار به سبب نهی و وعید وارد شده درباره آن است؛ و همچنین این در تضاد با خلقت الهی است. الله متعال این سفیدی [مو و ریش] را غالباً نشانه ای برای بالا رفتن سن قرار داده است، اما اگر این را با رنگ کردن برعکس کنیم، ضد حکمت الله در میان خلق او خواهد بود، اما شایسته است آن را با غیر رنگ سیاه ماند سرخی و زردی تغییر دهیم، همینطور با رنگی میان سرخی و سیاهی، مانند آنکه مو جوگندی شده باشد. این اشکالی ندارد و به سبب پیروی از سنت و دوری از نهی پیامبر. صلی الله علیه وسلم، خیر از آن حاصل خواهد شد.

## روشهای متنوع زیباسازی

- خالکوبی چه حکمی دارد؟ و اگر روی دختری در سن کم خالکوبی انجام شود، آیا گناهی بر او هست؟

خالکوبی حرام و بلکه از گناهان کبیره است؛ زیرا پیامبر. صلی الله علیه وسلم. زنی را که خالکوبی می کند و زنی را که برایش خالکوبی انجام می دهند را لعنت نمودند، و اگر دختری را در سن کم خالکوبی کنند و او نتواند از این کار جلوگیری کند، گناهی بر او نیست، و بلکه گناه بر کسی که این کار را بر او انجام داده است؛ زیرا الله هیچکس را جز به قدر توانایی اش مکلف نمی سازد، و این دختر قدرت تصرف را نداشته، اما اگر توانست بدون زیان دیدن آن را پاک کند، باید آن را پاک کند.

- حکم رژ لب و آرایش [با مواد آرایشی مصنوعی] برای زن چیست؟

سرخ کردن لب ها اشکالی ندارد؛ زیرا اصل بر حلال بودن است تا آنکه تحریم ثابت شود، و این سرخ کردن لب ها چیز ثابتی نیست که بگوییم از

جنس خالکوبی است، و خالکوبی یعنی تزریق رنگ به زیر پوست و این حرام است و بلکه از گناهان کبیره است.

اما این سرخ کردن لب‌ها اگر مشخص شود که برای لب‌ها مضر است و رطوبت آن را از بین می‌برد، در این حالت از آن نهی می‌شود، و به من گفته اند که لب‌ها بر اثر آن خشک شده و ترک برمی‌دارد. اگر این ثابت شود، در آن صورت انسان از انجام آنچه به او زیان می‌رساند نهی شده است.

اما مواد آرایشی [مصنوعی] ما از این مواد نهی می‌کنیم چون اگر چه ساعتی چهره را زیبا می‌کند، اما زیان بزرگی به آن وارد می‌سازد، چنانکه این از نظر پزشکی ثابت شده است. و زن اگر سنش آنقدر بالا رفته باشد که چهره اش تغییر کرده باشد، مواد آرایشی و دیگر چیزها فایده‌ای ندارد، بر این اساس و به سبب زیان آن که ثابت شده است، ما توصیه می‌کنیم که زنان از آن استفاده نکنند.

- حکم خضاب کردن دستان زن با حنا چیست؟ آیا در این باره چیزی از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** وارد شده است؟ اگر این کار فقط محدود به داخل دستان بدون انگشتان باشد حکمش چیست؟

خضاب دستان با حنا از جمله اموری است که میان زنان معمول است و این عادتی است به قصد زینت، و و تا وقتی که باعث زیبایی زن می‌شود مطلوب است که زن برای شوهرش چنین کند، چه انگشتان را شامل شود یا خیر.

اما لاک ناخن برای زنی که در حیض نیست (نماز می‌خواند) حرام است؛ زیرا مانع از رسیدن آب به پوست [و ناخن] در وضو می‌شود، مگر آنکه هنگام وضو آن را پاک کند.



## سخن گفتن زن با مردان

- آیا صدای زن آنقدر حرام است که نباید بدون نازک کردن صدا و ناز و ادا با مغازه داران برای خرید نیازهای خودش حرف بزند؟ همینطور اگر با سنگینی و وقار با خیاط حرف بزند؟

حرف زدن زن و صدایش نه حرام است و نه عورت است، اما اگر صدایش را نازک کند و با ناز سخن بگوید و به گونه ای سخن بگوید که باعث فتنه شود، آن حرام است؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾

[الأحزاب: 32]

{پس در هنگام سخن گفتن [با مردان]، ناز و نرمش به کار نبرید تا [مبادا] کسی که در دلش بیماری است [در شما] طمع کند و به شیوه ای شایسته سخن بگوید} [احزاب: ۳۲]. الله تعالی نفرمودند که: با مردان سخن نگویند، بلکه فرمودند: {در سخن گفتن ناز و نرمش به کار نبرید}، و ناز سخن گفتن، ویژه تر از صرف کلام است. بنابراین سخن گفتن زن با مرد اگر از آن فتنه ای حاصل نشود اشکالی ندارد، زیرا زن به نزد پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . می آمد و با ایشان سخن می گفت در حالی که مردم هم سخن زن را می شنیدند، و زن سخن می گفت و ایشان پاسخ او را می داد، و این چیز منکری نیست. اما این نباید در حال خلوت باشد مگر با حضور محرم، و عدم وجود فتنه، و برای همین مرد نباید از سخن زن لذت ببرد - چه این لذت، لذت روانی باشد یا لذت جنسی - مگر آنکه همسر او باشد.

- آیا نشان دادن دستان توسط زن حرام است؟

قول مشهور در مذهب حنابله آن است که کف دستان زن مانند چهره اوست، و نباید آن را در برابر مردان نامحرم آشکار سازد، و این ظاهر رفتار زنان در دوران پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . بود، منظورم پوشاندن کف دستان [و پشت آن] است.

زیرا رسول الله . **صلی الله علیه وسلم** . درباره زنی که در احرام است می فرماید: «**نقاب نمی زند و دستکش به دست نمی کند**»، از این نهی ایشان از پوشیدن دستکش توسط زنی که در احرام است احساس می شود که این از عادت زنان بوده است. وگرنه نهی زنی که در احرام است بی محل بود، و اگر پوشیدن دستکش عادت زنان در دوران پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . نبود، از این کار در حال احرام نهی نمی کردند. بنابراین زن باید تقوای الله را رعایت کند، و با ظاهری که باعث فتنه می شود بیرون نیاید. الله سبحانه و تعالی خطاب به زنان پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . که پاکترین زنان هستند می فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ...﴾ [الأحزاب: 33]

{و در خانه هایتان بمانید و همچون جلوه گری [زنان در دوران] جاهلیت پیشین، جلوه گری [و خودنمایی] نکنید} [احزاب: ۳۳]، و می فرماید:

﴿... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ

لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...﴾ [الأحزاب: 53]

{و هنگامی که از همسران او درخواستی دارید، [نیازتان را] از پشت پرده ای از آنان بخواهید [چرا که] این [کار] برای دل های شما و آنان پاکتر است} [احزاب: ۵۳].

حال اگر کسی بگوید: این مخصوص همسران پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . است، می گوئیم: پاکی دل برای زنان پیامبر و برای دیگر زنان مطلوب است. اینکه پاکی دل مردان و زنان از حجاب حاصل می شود دال بر همین است که در این باره میان همسران پیامبر . **صلی الله علیه وسلم** . و دیگر زنان تفاوتی نیست.

و بدان که حجاب نزد برخی از مردم این است که زن همه بدنش به جز چهره اش را بپوشاند، اما آنچه حق است و ادله به آن دلالت دارد و نظر و رای نیز همانند حدیث و اثر دال بر آن است، این است که باید چهره اش را بپوشاند؛ زیرا این چهره است که محل فتنه و محل رغبت [مردان] است، و شکی در این نیست که مطلوب اول مردان، زیبایی چهره است نه بقیه اعضا.

پس باید تقوا پیشه سازد، و احتشام بورزد، و از فتنه دور شود، و چهره اش را بپوشاند؛ تا آنکه شر و فساد رخ ندهد.

- بعضی از مردم عادت دارند که لباس های کوتاه را به دختران خود می پوشانند، و همچنین لباس های تنگی که مفاصل بدن را نمایان می سازد، و تفاوتی ندارد که سن دختر زیاد باشد یا کم. امیدوارم نصیحتی را متوجه امثال این افراد سازید.

برای انسان واجب آن است که مسئولیت خودش را مراعات نماید، و باید که تقوای الله را پیشه سازد و همه کسانی را که بر آنها ولایت دارد را از پوشیدن این لباسها باز دارد، زیرا از رسول الله . **صلی الله علیه وسلم** . ثابت است که فرمودند: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده ام» و پس از ذکر حدیث فرمودند: «زنانی که پوشیده اند [اما در حقیقت] برهنه اند، و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند،

و دیگران را نیز به انحراف [و فتنه] می کشانند». این زنانی که لباس های کوتاه می پوشند، پوشیده اند چون لباس بر تن دارند، اما برهنه اند، چون عورتشان آشکار است، زیرا از نظر نگاه، همه زن برای نامحرم عورت است، چهره اش و دستانش و پاهایش، و همه اجزای بدنش. و همینطور لباس های تنگ اگر چه در ظاهر پوشاننده است، اما در واقع برهنگی است. زیرا آشکار شدن مقاطع و برجستگی های بدن با لباس ها تنگ عین برهنگی است. پس لازم است که زن تقوای پروردگارش را رعایت کند و اماکن فتنه را آشکار نسازد، و باید که با لباسی بیرون برود که نظر را جلب نکند، و از عطر [در بیرون از خانه] استفاده نکند؛ تا آنکه مردم را به سوی خود مایل نسازد. و بر زن مسلمان لازم است که از خانه اش بیرون نرود مگر برای نیاز ضروری، اما در این حال نباید معطر باشد و نباید خودنمایی کند، و راه رفتنش خودنمایانه نباشد، و بداند که ایشان. **صلی الله علیه وسلم**. فرموده اند: «پس از خود فتنه ای زیانبارتر از زنان برای مردان باقی نگذاشته ام»، زیرا فتنه زنان بس بزرگ است و کم هستند کسانی که از آن در امان بمانند، و بر ما مسلمانان لازم است که روش دشمنان الله از یهودیان و نصرانیان و دیگران را برنگیریم، زیرا امر آن بس بزرگ و خطیر است. چنانکه از رسول الله. **صلی الله علیه وسلم**. روایت شده که می فرماید: «همانا الله متعال به ستمگر مهلت می دهد، اما هنگامی که او را [به عذاب] گرفت، دیگر رهایش نمی کند»، و سپس این سخن حق تعالی را تلاوت نمود:

﴿وَكَذَلِكَ أَخَذُ رَبِّي إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَلِيمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ لَإِيْمٌ شَدِيدٌ﴾

[هود: 102]

{و چنین است بازخواستِ پروردگارت که اهالی شهرهایی را که ستمکار [و مشرک] بودند فرو می گرفت. بی گمان، بازخواستِ او دردناک و سخت

است} [هود: ۱۰۲]، و به عذاب گرفتن او تبارک و تعالی اگر گرفت، گرفتن عزتمندی مقتدر است، و می فرماید:

﴿وَأْمُرِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ [الأعراف: 183]

{و به آنان مهلت می دهم. به راستی که تدبیر من، استوار [و حسابشده] است} [اعراف: ۱۸۳]. و این کسانی که به سوی بی حجابی و اختلاط فرامی خوانند بی شک در گمراهی آشکار و جهل بزرگی به سر می برند، زیرا با راهنمایی های الله و پیامبرش . **صلی الله علیه وسلم** . مخالفت کرده اند، و نسبت به آنچه بر سر امت هایی که مبتلای این درد شدند یا جاهلند یا خود را به جهالت زده اند. امت هایی که اکنون می خواهند از این مصیبت رها شوند، اما مگر ممکن است؟ زیرا اکنون تبدیل به عادت شده که دیگر تغییر نمی کند مگر با تلاش بسیار زیاد.

- مشاهده شده که برخی از مردم درباره دختران کم سن و سال خود سخت گیری می کنند، تا جایی که برخی دختران کم سن و سال خود را در سن چهار سالگی به پوشیدن چادر امر می کنند و می گویند: هر کس در سن کم به چیزی خو گرفت با همان عادت پیر می شود و سعی می کنند که این را به اجبار بر همه خانواده خود اجرا کنند. نظر شما درباره این سخت گیری که باعث محدود شدن کودکانی می شود که چیزی نمی دانند چیست؟

شکی در این نیست که هر کس در کودکی به چیزی خو بگیرد با همان عادت به پیری می رسد، برای همین پیامبر **صلی الله علیه وسلم** امر کرده اند که کودک وقتی به هفت سالگی رسید، امر به نماز شود اگرچه هنوز مکلف نیست؛ تا به نماز عادت کند.

اما دختر بچه عورتش حکمی ندارد و پوشیدن صورت و گردن و دستان و پاهایش واجب نیست و شایسته نیست که کودک را به این کار ملزم کرد اما اگر دختر به حدی رسید که مردان به وی تمایل داشته باشند؛ آن هنگام برای دفع فتنه و شر، حجاب می کند، و این درباره زنان متفاوت است، برخی سریع تر رشد می کنند و بهتر جوان می شوند و برخی برعکس.

- حکم پوشش دست (دستکش) برای پوشاندن دست و خارج نشدن آن هنگام مخاطب قرار دادن مردان در بازارها چیست؟

پوشیدن چیزی که دستان را در برابر مردان بیگانه بپوشاند یعنی دستکش، کار نیکی است و شایسته است که زن آن را بپوشد تا کف دستانش آشکار نشود و شاید این سخن پیامبر **صلی الله علیه وسلم** دال بر همین باشد که می فرماید: **«زن در حال احرام نقاب نمی زند و دستکش به دست نمی کند»**. این شاید دال بر این باشد که زنان [در دوران پیامبر] عادت به پوشیدن دستکش داشتند و این برای زن پوشاننده تر و دورتر از فتنه است، اما نباید دستکش ها ذاتا زیبا باشند، تا آنکه نظر مردان را جلب نکند.

## چهره، محل فتنه است

- فقهای مسلمان در بسیاری از احکام فقه اسلام اختلاف داشته اند و از احکامی که در آن اختلاف کرده اند، مسئله حجاب زن است و این اختلاف از اختلاف نصوص روایت شده در این مسئله ناشی شده است. اکنون حجاب شرعی زن چیست؟

حجاب شرعی یعنی حجابی که آنچه ابراز آن توسط زن حرام است را بپوشاند. یعنی پوشاندن آنچه پوشاندنش واجب است و اولی ترین موضع و

نخستین جایی که لازم است پوشیده شود، صورت است، زیرا چهره محل فتنه و محل رغبت است، بنابراین بر زن واجب است که چهره خود را از کسانی که محرم او نیستند بپوشاند، اما کسی که ادعا کند حجاب شرعی یعنی پوشاندن سر و گردن و سینه و پا و ساق دست و پاها، و سپس آشکار کردن صورت و کف دستان را برای زن مباح بشمارد، این از عجیب ترین اقوال است، زیرا مشخص است که محل رغبت و محل فتنه، چهره است، با این حال چگونه ممکن است که گفته شود: شریعت، آشکار کردن پاها را منع کرده و آشکار کردن چهره را مباح ساخته است؟ چنین چیزی ممکن نیست که در این شریعت بزرگ حکیم که از تناقض منزه است، رخ دهد. هر انسانی این را می داند که فتنه آشکار کردن چهره بسیار بیشتر از فتنه آشکار کردن پاهاست، و هر انسانی این را می داند که جایی که باعث می شود مردان به زنان راغب شوند چهره آنان است، برای همین اگر به خواستگار گفته شود که دختر مورد نظر شما چهره نازیبایی دارد اما پاهای زیبایی دارد، به خواستگاری اش نمی رود، اما اگر به او بگویند که چهره او زیباست اما دستانش یا پاهایش نازیباست، به خواستگاری اش خواهد رفت و از این جا دانسته می شود که چهره اولی ترین جایی است که باید حجاب داشته باشد. همچنین ادله ای از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و اقوال صحابه و سخنان امامان و علمای مسلمان دال بر وجوب حجاب بر همه بدن زن در برابر نامحرم است، و دال بر این است که پوشاندن صورت از غیر محرم بر زن واجب است. که اینجا مجال ذکر آن نیست، اما در این باره رساله ای مختصر داریم که متنش اندک و فایده اش بسیار است.

- نصیحت شما برای مردانی که همسران خود را از حجاب شرعی باز می

دارند چیست؟

توصیه ما این است که تقوای الله عزوجل را درباره خانواده اش رعایت کند و الله عزوجل را حمد گوید که داشتن این همسر را برایش میسر ساخته که می خواهد امر الله عزوجل را درباره لباس شرعی رعایت کند، چیزی که برای حفظ او از فتنه ها لازم است، و اگر الله عزوجل -در این آیه- بندگان مومنش را امر کرده باشد که خود و خانواده خود را از آتش حفظ کرده و فرموده اند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾﴾  
 [التحریم: 6]

{ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده تان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ هاست نگه دارید؛ [آتشی که] فرشتگانِ خشن و سختگیر بر آن، [گمارده شده اند] که هرگز از الله در [مورد] آنچه به آنان فرمان داده، نافرمانی نمی کنند، و هر چه فرمان می یابند انجام می دهند} [تحریم: 6].

و پیامبر صلی الله علیه وسلم مسئولیت خانواده مرد را به او سپرده و فرموده است: «مرد در خانواده خود سرپرست است و او مسئول رعیت خود است». در این صورت چگونه برای این شخص جایز است که همسرش را مجبور کند تا لباس شرعی را کنار گذاشته و لباس حرامی را بپوشد که ممکن است سبب فتنه او و [فتنه مردان] توسط او شود؟ او باید تقوای الله را پیشه سازد و درباره خانواده اش از الله بترسد و الله را برای این نعمت که چنین زن درستکاری را نصیب او کرده حمد گوید.



اما در رابطه با زن، برای او جایز نیست که به هیچ عنوان در معصیت الله از شوهرش اطاعت کند؛ زیرا اطاعت از مخلوق در معصیت خالق جایز نیست.

## بیرون آوردن بازو جایز نیست

- بعضی از زنان سخنی را که از برخی از علما شنیده اند تکرار می کنند که هر زنی بازویش نمایان شود در روز قیامت هر دو بازویش خواهد سوخت. برخی از زنان آستین لباس یا قسمتی از آن را تا آرنج ها می دوزند. حکم این کار چیست؟

این جزا که بازوهای آنان در روز قیامت خواهد سوخت، اصل و اساسی ندارد، اما حکم نمایاندن بازوها برای نامحرم و غیر شوهر، این حرام است و جایز نیست که زن بازوهای خود تا آرنج را برای غیر شوهرش یا نامحرم نمایان سازد، برای زن شایسته این است که لباس باوقار بپوشد و تا حد توان حجابش را رعایت کند و دستانش را بپوشاند مگر آنکه در خانه اش کسی جز شوهرش و محارمش نبودند که اینجا اشکالی ندارد آرنج و بازویش آشکار باشد، اما کسی که آستین لباس هایش را تا آرنج می دوزد، اشکالی ندارد لباسی را که به این صورت دوخته برای همسرش و محارمش بپوشد و اگر در خانه اش نامحرم هست مانند برادر شوهر و مانند آن، لباسی دیگر بدوزد و برای زن جایز نیست که با این لباس به خیابان برود مگر آنکه آن را با لباسی دیگر که آستینش بلند است و او را در برابر مردم پوشیده می دارد، بپوشد.

## استفاده زن از عطر در بیرون از خانه

- حکم این کار که زن آرایش کند و عطر زده از خانه اش مستقیم به مدرسه برود چیست؟ آیا انجام این کار درست است؟ و چه زینتی برای زن مسلمان در برابر دیگر زنان حرام است؟ منظورم این است که زینتی که آشکار کردن آن برای زنان جایز نیست چیست؟

خارج شدن زن به بازار در حالی که عطر زده حرام است؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «زن اگر به خود عطر بزند و از کنار مجلسی (جایی که مردم نشسته اند) بگذرد، چنین و چنان است، یعنی: زناکار است»، و این به سبب فتنه ای است که این کار ایجاد می کند. اما اگر زن [که عطر زده] سوار اتومبیل می شود و بوی او را جز آنان که جایز است حس نمی کند، و فوراً از اتومبیل به سوی محل کارش می رود و آنجا مردانی دور و بر او نیستند، این اشکالی ندارد زیرا آن محذور اینجا وجود ندارد چون او در اتومبیل خود مانند آن است که در خانه اش باشد، برای همین برای شخص جایز نیست که اجازه دهد زنش یا زنی که ولایت او بر عهده اش است با راننده در اتومبیل تنها باشد، زیرا این خلوت است. اما اگر از کنار مردان عبور می کند، استفاده از عطر برای او حلال نیست.

اما درباره زینتی که می تواند در برابر زنان آشکار سازد؛ هر زینت مباحی که میان زنان معمول است، حلال است.

اما آنچه حلال نیست مانند لباس نازکی که پوست بدن را نشان می دهد یا آنقدر تنگ که زیبایی های زن را نمایان می سازد، این جایز نیست؛ به دلیل آنکه در این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم داخل است: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده ام» و پس از ذکر حدیث فرمودند:

«زنانی که پوشیده اند [اما در حقیقت] برهنه اند، و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند و دیگران را نیز به انحراف [و فتنه] می کشانند».

## ضوابط زندگی چند خانواده در یک خانه

- یکی از عادات شایع در برخی از جوامع این است که برخی از خانواده ها وقتی در یک خانه زندگی می کنند، زنان چهره خود را در برابر نزدیکان شوهرشان آشکار می کنند چون همه در یک خانه زندگی می کنند. نظر شما در این باره چیست؟

خانواده ها اگر در یک خانه زندگی کنند واجب آن است که زن در برابر کسانی که محرم او نیستند حجابش را رعایت کند. برای زن برادر جایز نیست که در برابر برادر شوهر چهره اش را آشکار کند زیرا برادر شوهر او از نظر حرمت نگاه و نامحرم بودن مانند دیگر مردان در خیابان است، و همچنین برای برادر شوهر جایز نیست که وقتی برادرش از خانه بیرون می رود با همسر او خلوت کند و این مشکلی است که بسیاری از مردم از آن رنج می برند مانند اینکه دو برادر در یک خانه زندگی کنند و یکی از آنها متاهل باشد. پس برای این شخص متاهل جایز نیست که وقتی برای کار یا تحصیل از خانه بیرون می رود، همسرش را تنها نزد برادرش بگذارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مردی با زنی خلوت نکند»، و می فرمایند: «بر حذر باشید از وارد شدن بر زنان» گفتند: یا رسول الله، درباره حَمُو چه می فرمایید؟ و حمو یعنی خویشاوندان شوهر. فرمود: «حمو [فتنه اش بدتر و شدیدتر از] مرگ است». همواره درباره جرم زنا که در این حال رخ داده می پرسند. اینکه مرد از خانه بیرون می رود و برادرش به همراه همسرش در خانه تنها می شوند و شیطان آنها را اغوا می

کند و العیاذ باللّٰه با همسر برادرش زنا می کند، و این بدتر از زنا با همسر همسایه است و بلکه قضیه فجیع تر از این است. در هر حال، می خواهم سخنی بگویم که با آن مسئولیت خود درباره شما را در برابر اللّٰه ادا کرده باشم: اینکه برای انسان جایز نیست که زن خود را نزد برادرش در یک خانه تنها بگذارد، شرایط هر چه باشد و حتی اگر آن برادر مورد اعتمادترین مردم و صادق ترین مردم و نیکوکارترین آنان باشد، زیرا شیطان همانند خون در رگهای انسان جریان دارد و شهوت جنسی حد و مرزی ندارد، به ویژه برای جوانان.

- اما اگر چند برادر در یک خانه باشند و یکی از آنان متاهل باشد، چکار باید کرد؟ آیا بگوییم: هرگاه می خواهد بیرون برود، همسرش را هم با خودش به سر کار ببرد؟

نه، اما می شود خانه را به دو قسمت کرد، یک قسمت برای آن برادر هنگامی که تنهاست، که دری داشته باشد و آن در قفل شود و کلیدش دست شوهر باشد و آن را با خودش ببرد و زن در یک بخش مستقل از خانه باشد و آن برادر یک بخش مستقل دیگر.

- اما شاید آن برادر به برادر متاهلش اعتراض کند و بگوید: چرا این کار را می کنی؟ مگر به من اعتماد نداری؟

به او می گوید: من این کار را برای مصلحت خودت انجام داده ام؛ زیرا شیطان در رگ های انسان همانند خون جاری است، و چه بسا تو را اغوا کند و نفست تو را به آن سمت بکشاند و شهوت بر عقل غالب شود و آنگاه آنچه نباید رخ می دهد، و من این کار را برای حمایت تو انجام داده ام و این به نفع توست، چنانکه به سود من است. و اگر برای این خشمگین شد، بگذار خشمگین شود و اهمیت نده.

این مورد را برای آنکه از مسئولیت کتمان‌ش رها شده باشم به شما رساندم و حساب شما با الله عزوجل است.

اما در مورد آشکار کردن چهره، این حرام است و برای زن جایز نیست که چهره اش را برای برادر شوهرش آشکار سازد زیرا او نامحرم است و کاملاً همانند مردانی است که در خیابان هستند.

## منع کردن از نقاب

- اخیراً پدیده‌ای به شکل قابل مشاهده‌ای در میان زنان منتشر شده و آن چیزی است به نام نقاب و عجبیب در این پدیده، پوشیدن خود نقاب نیست بلکه روش پوشیدن آن توسط زنان است. در آغاز از این نقابشان چیزی از چهره مشخص نبود جز دو چشم، سپس این نقاب جلوتر رفت و کم‌کم بخشی از چهره هم آشکار شد که باعث جلب فتنه شد به ویژه آنکه بسیاری از زنان هنگام پوشیدن آن از سرمه استفاده می‌کنند، و اگر با آنان درباره این مسئله گفتگو شود اینطور استدلال می‌کنند که شما فتوا داده‌اید که اصل در نقاب بر جواز است. لطفاً درباره این مسئله به شکل مفصل توضیح دهید.

شکی در این نیست که نقاب در دوران پیامبر صلی الله علیه وسلم معروف بوده و زنان از آن استفاده می‌کردند چنانکه سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره زن در حال احرام، همین را می‌رساند که می‌فرماید: «[در حال احرام] نقاب نمی‌پوشد». این نشان می‌دهد که پوشیدن نقاب از عادات آنان بود، اما در این دوران ما به جواز آن فتوا نمی‌دهیم بلکه نظر ما بر منع آن است؛ زیرا این ذریعه‌ای شده برای زیاده‌روی [در آشکار کردن چهره] به سوی آنچه جایز نیست، و این چیزی است که مشاهده می‌کنیم؛

برای همین در این دورهٔ ما، به هیچ زنی نه نزدیک و نه دور به جواز نقاب فتوا نداده ایم بلکه نظر ما این است که کاملاً از آن منع شود و زن باید در این امور تقوا پیشه بسازد و از نقاب استفاده نکند زیرا این دروازهٔ شری را باز می‌کند که نمی‌توان بعداً آن را بست.

## میان زن و شوهر هیچ عورتی وجود ندارد

- پوشیدن لباس های تنگ نزد زنان و نزد محارم چه حکمی دارد؟

پوشیدن لباس های تنگی که مفاتن زن (جذابیت های بدن زن) را نمایان می‌سازد و فتنهٔ آن را آشکار می‌سازد حرام است؛ زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم** می‌فرماید: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده‌ام، مردانی که شلاق هاپی همچون دم گاو با خود دارند و با آن مردم را می‌زنند - یعنی از روی ظلم - و زنانی که پوشیده‌اند [اما در حقیقت] برهنه‌اند، و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند و دیگران را نیز به انحراف [و فتنه] می‌کشانند». این سخن ایشان یعنی «پوشیده‌هایی برهنه» را اینگونه تفسیر کرده‌اند که آنان لباس هاپی کوتاه می‌پوشند که آنچه از عورت واجب است را نمی‌پوشانند. این را چنین تفسیر کرده‌اند که آنان لباس هاپی نازک به تن دارند که مانع از دیدن پوست زن که در پشت آن قرار دارد نمی‌شود و همینطور چنین تفسیر کرده‌اند که آنان لباس هاپی تنگ می‌پوشند که جلوی دیدن [پوست] را می‌گیرد اما برجستگی‌های زن را نشان می‌دهد، و بر این اساس، برای زن جایز نیست که این لباس های تنگ را بپوشد مگر برای کسی که نشان دادن عورتش نزد او جایز است یعنی شوهر؛ زیرا میان شوهر و زن هیچ عورتی وجود ندارد؛ به دلیل این این سخن حق تعالی که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَقِيقُونَ ۗ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

فَأِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ [المؤمنون: 5-6]

{و آنان که شرمگاه های خود را حفظ می کنند \* مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند} [مؤمنون: ۵-۶]، و عایشه رضی الله عنها می فرماید: «من و رسول الله صلی الله علیه وسلم برای غسل جنابت از یک ظرف آب استفاده می کردیم، پیاپی و پس از هم دستان ما وارد ظرف آب می شد»، پس میان شخص و همسرش، عورتی وجود ندارد.

اما میان زن و محارمش، باید عورت خود را بپوشاند و پوشیدن لباس تنگ نزد محارم و نزد دیگر زنان جایز نیست، یعنی اگر آنقدر تنگ باشد که برجستگی های زن را نمایان سازد.

## وقتی که زن مجبور به برداشتن حجاب می شود

- در برخی از کشورها شاید زن مسلمان مجبور به برداشتن حجاب شود، مخصوصاً روسی. آیا برای او جایز است که این دستور را اجرا کند، به ویژه اینکه هر کس این را نپذیرد متحمل مجازاتهایی مانند اخراج از کار یا مدرسه می شود؟

این بلایی که در برخی از کشورهای اتفاق می افتد، از جمله اموری است که بنده با آن آزمایش می شود، و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿الْم ۱﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۱﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿۲﴾ [العنكبوت: 3-1]

{الف لام میم \* آیا مردم پنداشته اند همین که [به زبان] بگویند: «ایمان آوردیم»، آنان را [به حال خود] وامی گذارند و آزموده نمی شوند؟ \* و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند نیز آزمودیم و تا الله کسانی را که [دربارۀ ایمانشان] راست گفته اند بازشناسد و دروغگویان را [نیز] معلوم گرداند \* آیا کسانی که کارهای ناشایست کرده اند، پنداشته اند که می توانند از ما پیشی بگیرند [و از عذابمان بگریزند]؟ چه بد داوری می کنند!} [عنكبوت: ۱-۳]. نظر من این است که زنان مسلمان در این کشور باید از اطاعت ولی امر در این امر منکر سرباز زنند، زیرا طاعت والیان امر در دستور به منکر، واجب نیست، الله تعالی می فرماید:

﴿يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ [النساء: 59]



{ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله متعال اطاعت کنید و از رسول الله اطاعات کنید و از ولی امر (حکمرانان) خویش} [نساء: ۵۹]، اگر در آیه تامل کنی متوجه می‌شوی که الله می‌فرماید: {از الله متعال اطاعت کنید و از رسول الله اطاعات کنید و از ولی امر (حکمرانان) خویش}، و فعل [امر] را بار سوم و برای والیان امر (حاکمان) تکرار نکرده است، و این دال بر آن است که طاعت والیان امور تابع و پیرو طاعت الله و طاعت پیامبر اوست، بنابراین اگر امر آنان مخالف طاعت الله و پیامبرش بود دیگر نه به سخنشان گوش داده می‌شود و نه از امرشان که در مخالفت با طاعت الله و رسول اوست اطاعت می‌شود، «از هیچ مخلوقی در معصیت خالق اطاعت نمی‌شود». و مصیبتی که از این ناحیه به زنان می‌رسد، از جمله اموری است که باید بر آن صبر کرد و برای این صبر از الله تعالی یاری خواست، و از الله خواهانیم که والیان امور آنان را به سوی حق هدایت کند، و گمان نمی‌کنم این اجبار وجود داشته مگر هنگام خارج شدن زن از خانه اما در خانه اش چنین اجباری بر او نیست و می‌تواند در خانه بماند تا آنکه این امر به پایان برسد، اما درس خواندنی که همراه با گناه باشد جایز نیست بلکه می‌تواند هر آنچه برای دین و دنیایش به آن نیازمند است را در خانه بیاموزد و این برای او کافی است و غالباً این آموزش در خانه ممکن است.

## لباس شرعی

- بدون شک این را می دانید که محل فتنه در زن، در جاهایی از بدن اوست که پنهان است و اگر آشکار شود فتنه نیز برانگیخته می شود و شر شایع می شود. حال آشکار ساختن چه قسمت هایی از بدن زن جایز است و حکم نگاه زن به عورت زن چیست؟

واجب برای زن، پوشیدن لباس شرعی است که پوشاننده باشد و لباس زنان صحابه نیز چنانکه شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله و دیگران گفته اند: «در خانه هایشان از کف تا کعب بود»، یعنی از کف دستان تا پاشنه پا، و چون خارج می شدند لباسی بلند می پوشیدند که یک وجب از پاهایشان اضافه بود و پیامبر **صلی الله علیه وسلم** به آنان اجازه دادند که برای پوشیده ماندن پاهایشان یک ذراع بیشتر باشد. این درباره زنی است که پوشیده است، اما اگر لباسش را بالا بیاورد از جمله «کاسیات عاریات» (پوشیده های برهنه) خواهد بود. اما برای زن جایز نیست که به عورت زنی دیگر نگاه کند. یعنی جایز نیست که منطقه بین ناف تا زانو را ببیند. مثلاً اگر زنی در حال قضای حاجت است برای زنی دیگر جایز نیست که به او نگاه کند زیرا به عورت او می نگرد، اما بالای ناف یا زیر زانو، اگر زن این جاها را برای نیازی آشکار سازد مانند آنکه از جایی که گل و لای است می گذرد و لباسش را بالا بیاورد، یا برای شستن پاهایش، این اشکالی ندارد، یا اگر سینه اش را آشکار کند چون می خواهد به بچه اش در برابر زنان شیر بدهد، این اشکالی ندارد، اما نباید از این گفته ما این فهمیده شود - چنانکه برخی از نادان ها گمان کرده اند - که معنای حرف ما این است که زن [در برابر دیگر زنان] لباسی بپوشد که فقط بین ناف و زانو را بپوشاند! این خطای بزرگ در [فهم] کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و شریعت الله و

بر سلف این امت است! چه کسی گفته کافی است که زن شلواری بپوشد که از ناف تا زانویش را بپوشاند و این لباس زنان مسلمان است؟! ممکن نیست!

زن باید لباسی را بپوشد که از کتف تا پاشنه پا را پوشانده باشد، اما برای زن دیگری که او را می بیند جایز است که به سینه و ساق پا نگاه کند، اما حق ندارد که اگر زنی مابین ناف و زانو را آشکار کرد به او بنگرد، زیرا زن حق ندارد مابین ناف و زانوی زنی دیگر را ببیند.

## لباس های کوتاه

- پاسخی را با خط شما خواندم که نوشته بودید: زن می تواند در برابر محارمش از چهره و سر و گردن و کف دست و آرنج و پاها و ساق ها را آشکار سازد و غیر آن را بپوشاند. آیا این سخن بر اطلاق آن است؟ مخصوصا که موضع شما - خدا حفظتان کند - درباره لباس های کوتاه برای کودکان و زنان به طور کلی این است که آن را جایز نمی دانید؟

ما اگر گفتیم که آشکار کردن فلان جا جایز است معنایش این نیست که خود لباس در این حد دوخته شده باشد. اما فرض کنیم که زنی لباسش تا پاشنه پاهایش است اما ساق پایش به دلیلی یا بدون دلیل آشکار شد؛ اینجا اگر کسی غیر از محارم یا غیر از زنان نزد او نباشند، او به این خاطر گناهکار نمی شود.

اما اینکه لباس کوتاه بپوشد، ما از این کار نهی می کنیم و نسبت به آن هشدار می دهیم؛ زیرا می دانیم که - اگر چه این در اصل جایز است - اما وضعیت به سمت بدتری پیش خواهد رفت چنانکه در غیر این مورد نیز عادت بر همین بوده است، یعنی مردم اول یک کار را بر وجه مباح [و در

جای درست] انجام می دهند سپس وضعیت متحول شده تا جایی که به امر حرامی که در تحریم آن هیچ تردیدی نیست، سقوط می کنند، چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «زن به عورت زن نمی نگردد»، اما این معنایش آن نیست که برای زن جایز است چیزی بپوشد که فقط میان ناف و زانویش را بپوشاند. کسی چنین چیزی نمی گوید. بلکه معنایش آن است که اگر با وجود آنکه لباس بلند و پوشاننده بود چیزی از سینه زن و همینطور ساق پایش مشخص شد نگاه به آن توسط زنی دیگر حرام نیست. مثالی بیاوریم: مثلاً زنی سینه اش را برای شیر دادن به کودکش آشکار کرده است. اینجا به زنی دیگر [که کنار او نشسته] نمی گوئیم که نگاه کردن تو به سینه او حرام است؛ زیرا این از جمله عورت نیست، اما اینکه زنی بیاید و بگوید: من شلواری می پوشم که فقط مابین ناف و زانو را بپوشاند؛ هیچ کس چنین نمی گوید و این جایز نیست. و شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله ذکر کرده اند که لباس زنان صحابه از کف دست تا پاشنه پا بوده، و این لباس آنان در خانه بوده، اما وقتی که به بازار می رفتند، در حدیث ام سلمه آمده که زن لباسش را تا زمین بلند می کرد، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان اجازه دادند که آن را تا یک ذراع [بیشتر از قد] بلند کند تا هنگام راه رفتن پاهایش آشکار نشود.

## آشکار کردن چهره در اتومبیل

- ملاحظه کرده ایم که برخی از خانم های معلم یا دانش آموزان دختر وقتی سوار اتوبوس می شوند تا آنان را به مدرسه برساند، داخل اتوبوس چهره خود را آشکار می کنند و دلیلشان این است که کسی آنان را نمی بیند. نظر شما در این باره چیست؟ و آیا راننده ای که آنان را به مدرسه می رساند در حالی که چهره آنان آشکار است گناهی ندارد؟

آشکار کردن چهره برای زن در حالی که مردان به او نگاه می کنند حرام است، فرقی نمی کند که معلم باشد یا دانش آموز، و سوار اتومبیل باشد یا پیاده در بازار، اما اگر در این اتومبیل کسانی که پشت شیشه هستند او را نمی بینند و میان آنان و راننده پرده ای باشد، اشکالی ندارد که در این حالت چهره خود را آشکار کنند، زیرا آنان در این حالت مانند زنی هستند که در اتاقی جدا از مردان است.

اما اگر شیشه شفاف باشد و پشت آن پیدا باشد (مات نباشد) یا شفاف نباشد اما میان آنان و راننده پرده ای نباشد؛ در این حالت جایز نیست که چهره خود را آشکار کنند؛ زیرا راننده یا مردانی دیگر در بازار آنان را می بینند.

اما درآمد این راننده حرام نیست، زیرا آن زنان برای آشکار کردن چهره این اتوبوس را کرایه نکرده اند، اما واجب است که راننده آنان را امر به پوشاندن چهره کند، اما اگر سرباز زدند و پافشاری کردند که چهره شان را نپوشانند، برای اتوبوس پرده ای قرار دهد یا شیشه ها را مات کند و میان خودش و آنان پرده ای قرار دهد، و این گونه محذور شرعی برطرف می شود.

## سلام گفتن به زنان

- رهنمود اسلام درباره پاسخ گفتن به سلام زنان چیست و آیا زن به مرد سلام می کند؟ و آیا در این باره میان زن جوان یا زن کهن سالی که از او ترس فتنه نمی رود تفاوتی است؟ حکم دست دادن با پیرزنان و بوسیدن سر آنان چیست؟

مرد بر زن سلام نمی کند و زن نیز بر مرد سلام نمی کند زیرا این فتنه است، مگر در تماس تلفنی که زن یا مرد فقط به اندازه نیاز سلام می کند، اما اگر زن از آشنایان باشد و مثلا مرد وارد خانه شود و ببیند زنی که او را می

شناسد آنجاست و به او سلام گوید این اشکالی ندارد، اما اینکه به زنی که در بازار دیده سلام کند، این از بزرگترین فتنه هاست، بنابراین سلام نمی کند. اما بوسیدن سر و پیشانی محارم اشکالی ندارد و بوسیدن گونه اگر توسط پدر باشد اشکالی ندارد؛ زیرا ابوبکر رضی الله عنه به نزد عایشه رضی الله عنها آمد که بیمار بود، پس گونه او را بوسید. بنابراین، این اشکالی ندارد. اما درباره دیگر محارم به جز دختر، بوسیدن باید بر پیشانی و بر سر باشد.

اما دست دادن به زن نامحرم حرام است؛ زیرا فتنه در مصافحه شدیدتر از فتنه دیدن است، ولی بوسیدن سر پیرزانی که از محارم هستند جایز است، اما بوسیدن پیرزان نامحرم جایز نیست.

- آیا بوسیدن سر زن پدر جایز است؟

بله جایز است، چون از محارم اوست.

- آیا دست دادن با دختر زن [از شوهر قبلی] جایز است؟

این نیاز به تفصیل دارد؛ اگر بر مادرش داخل شده باشد [با او جماع کرده باشد] در صورت دور بودن از فتنه می تواند با او دست دهد، وگرنه خیر.

- چگونه ممکن است که آن زن دختری داشته باشد و بر او داخل نشده باشند؟

به این صورت که آن دختر از شوهر سابقش باشد و شوهر کنونی با او عقد کرده اما با او هم خوانه و یکجا نشده یعنی با او جماع نکرده. در این صورت [در صورتی که با مادر او جماع کرده باشد] این دختر محرم اوست.

## مسائل خاص

- مسئله ای هست که بسیار نزد زنان رخ می دهد؛ اینکه زنان برای برداشتن موی بدن و ران ها زنی دیگر را به خانه می آورند تا این کار را برایشان انجام دهد. آیا برای این زن جایز است که برای برداشتن موها به ران زن نگاه کند؟ و آیا این کار از جمله ضرورت است؟

این حالت از جمله ضرورت نیست؛ زیرا درباره حلال بود برداشتن موی ران و زانو بحث است؛ زیرا این مو از جمله خلقت الهی است و تغییر خلقت الهی در غیر آنچه الله به آن اجازه داده، از وحی شیطان است: الله تعالی می فرماید:

﴿... وَلَا مَرْئَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ...﴾ [النساء: 119]

{و شیطان گفت:} و وادارشان می کنم تا آفرینش الله را تغییر دهند{ [نساء: ۱۱۹]، و این مو از آفرینش الله است پس برداشته نمی شود مگر آنچه مشروع شده مانند موی زیر ناف و زیر بغل و موی سبیل برای مردان. اما موی ساق و ران، این برداشته نمی شود مگر در صورتی که موی پای زن آنقدر زیاد باشد که همانند پای مردان شود، آنگاه برداشتن آن اشکالی ندارد، اما موی ران، اگر زیاد باشد نباید توسط زن دیگری برداشته شود، بلکه باید توسط خودش برداشته شود، زیرا برای این کار نیازی به کمک گرفتن از زنی دیگر نیست، اکنون روش های بسیاری برای از بین بردن مو هست، مانند روغن ها یا دیگر ابزار که به مجرد کشیدن به مو، برداشته می شود. می تواند از این استفاده کند، اما به شرط آنکه در این باره قبلاً به پزشک مراجعه کند.

## وجوب پوشاندن چهره

- جزای زنانی که در مورد حجابشان کوتاهی می کنند چیست؟ و آیا آنان در آخرت در دوزخ عذاب می شوند؟

هر کسی که معصیت الله عزوجل را مرتکب شود و آن معصیتش با نیکی ها پاک نشود، در معرض خطر است. اگر آن معصیت شرک و کفر باشد و باعث خروج از دین شود، عذاب کسی که دچار شرک و کفر شده محقق است، الله تعالی می فرماید:

﴿... إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ...﴾ [المائدة:

[72

{هر کس به الله شریک آورد قطعاً الله بهشت را بر او حرام ساخته، و جایگاهش آتش است} [مائدة: ۷۲].

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ...﴾ [النساء:

[48

{پی گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی بخشد و پایین تر از آن را. برای هر کس بخواد. می بخشد} [نساء: ۴۸]. اما اگر کمتر از آن باشد - یعنی کمتر از کفری که از دین خارج می سازد - و از گناهی است که با نیکی ها پاک نمی شود، تحت مشیت الله است، اگر بخواد او را عذاب می دهد و اگر بخواد می بخشد. و جایی که بر زن واجب است، پوشاندن همه بدنش از دیگران، به جز شوهرش و محارم اوست؛ زیرا الله تعالی می فرماید:



﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِينَ...﴾ [الأحزاب: 59]

{ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو چادرهای خود را بر خویش فرو افکنند، [و با آن سر و صورت و سینه هایشان را بپوشانند] این مناسبتر است تا شناخته شوند؛ پس مورد آزار قرار نگیرند، و الله آمرزندهٔ مهربان است} [احزاب: ۵۹]، جلباب همان چادر یا ردای گشادی است که همهٔ بدن را در بر می گیرد، الله تعالی نیز پیامبرش را امر کرده تا به همسرانش و دخترانش و زنان مؤمن بگوید که چادرهایشان را بر خود فرو افکنند تا آنکه صورت و سینه شان پوشانده شود، ادلهٔ کتاب و سنت و نظر صحیح و اعتبار، دال بر این است که پوشاندن صورت در برابر مردان بیگانه که از محارم زن نیستند یا برای غیر شوهر، برای او جایز نیست. هیچ عاقلی در این شکی ندارد که اگر پوشاندن سر و پا برای زن واجب باشد و این برای زن واجب باشد که پایش را به زمین نکوبد تا زینت های پنهانی مانند خلخال دانسته نشود، پوشاندن چهره واجب تر و مهمتر است، زیرا فتنه ای که از آشکار کردن چهرهٔ زن حاصل می شود بسیار بزرگتر از فتنهٔ حاصل از آشکار شدن قسمتی از موی سر یا ناخن پای اوست.

و اگر مؤمن عاقل در این شریعت و حکم و اسرار آن تامل کند برایش واضح می شود که ممکن نیست شریعت به پوشاندن سر و گردن و دست و ساق پا و کف پا امر کند، سپس به زن اجازه دهد که کف دستان را بیرون آورد و اجازه دهد چهره اش را که مملو از زیبایی است آشکار سازد. این خلاف حکمت است.

و کسی که به وضعیت امروز مردم بیندیشد که چگونه سهل انگاری در پوشاندن چهره به سهل انگاری در غیر آن انجامید، آنطور که سر و گردن و

بالای سینه و آرنج آشکار شد و در برخی از کشورهای اسلامی زنان با بی مبالاتی [با چنین وضعی] به بازارها می روند، خواهد دانست که حکمت مقتضی آن است که زنان چهره هایشان را بپوشانند، بنابراین لازم است که زن مسلمان تقوای الله را پیشه سازد و حجاب واجبی را که فتنه ای در خود ندارد رعایت کند و بدنش را از غیر شوهر و از نامحرم ها بپوشاند.

## رفتن زن به نزد پزشک

- وقتی زن مجبور می شود برای معاینه به نزد پزشک مرد برود، لازم است که بخشی از بدن خود را نمایان سازد؛ حکم شرع در این باره چیست؟

رفتن زن به نزد پزشک مرد در صورت نبودن پزشک زن اشکالی ندارد و جایز است که هر آنچه آشکار کردنش مورد نیاز است را آشکار سازد، اما لازم است که محرمی همراه او باشد و خلوت با پزشک صورت نگیرد؛ زیرا خلوت حرام است و این کار از روی نیاز است، و علما رحمهم الله بیان کرده اند که این چیز از آنجایی مباح شده که تحریم آن از باب تحریم وسایل بوده و آنچه تحریمش از باب تحریم وسایل است در صورت نیاز، جایز است.

## جایز بودن خلوت در صورت ضرورت

- از دیگر مسائلی که در آن زن در برابر مردان بیگانه بدون حجاب [کامل] ظاهر می شود، وقتی که مثلاً همسر همسایه بیمار باشد و شوهرش آنجا نباشد و محارمی هم نزد او نباشند، در این حالت، چکار باید کرد؟

شکی در این نیست که اختلاط با زنان و دست دادن با آنان از سوی غیر محارم جایز نیست، و خلوت کردن با آنان بدتر و شدیدتر است، اما احکام ضرورت، متفاوت است. الله تعالی می فرماید:

﴿... وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ...﴾ [الأنعام:

[119]

{حال آنکه [الله] آنچه را بر شما حرام کرده است به تفصیل برایتان بیان داشته است [پس از آنها دوری کنید؛] مگر چیزی که به [خوردن] آن ناچار شوید} [انعام: ۱۱۹]. حال اگر چاره ای نبود و زن همسایه من نیازمند این بود که برای بردن او به نزد پزشک یا دیگر کمک های ضروری با او سخن بگویم و به خانه اش وارد شوم، این اشکالی ندارد اما همراه با دوری از فتنه، و اگر خودش همسری داشت که می توانست با او باشد تا خلوت صورت نگوید، باید [برای دوری از خلوت] از او کمک بگیرد.

## آمدن نابینا به نزد زنان

- حکم وارد شدن نابینا به نزد زنان به هدف آموزش آنان در مدارس چیست؟

وارد شدن مرد نابینا به نزد زنان برای آموزش آنان اشکالی ندارد؛ زیرا برای زن جایز است که در صورت عدم فتنه به مرد نابینا نگاه کند، دلیل آن سخن رسول الله **صلی الله علیه وسلم** خطاب به فاطمه بنت قیس است که فرمود: «در خانه ابن ام مکتوم عده ات را بگذران زیرا او مردی نابیناست و می توانی نزد او لباست را بگذاری»، و به عایشه اجازه دادند که به حبشیان که در مسجد بازی می کردند بنگرند، اما در صورتی که از این کار فتنه ای حاصل شود مانند آنکه آن نابینا از صدای زنان لذت ببرد یا مثلا او را به خود نزدیک کند و دستش را بگیرد و مانند آن، جایز نیست، نه برای اینکه نگاه به مردان حرام است، اما برای فتنه ای که همراه با آن رخ داده است.

## آموزش مختلط جایز نیست

- آموزش مختلط در برخی از کشورهای اسلامی، چنانکه دانش آموزان پسر و دختر در صندلی هایی که کنار هم چیده شده در یک کلاس می نشینند، چه حکمی دارد؟

آنچه من می گویم این است که برای انسان - مرد باشد یا زن - جایز نیست که در مدارس مختلط درس بخواند، و این به سبب خطر بزرگی است که پاکدامنی و اخلاق او را تهدید می کند. زیرا انسان هر چقدر پاکدامن و دارای اخلاق والا و دل پاک باشد، اگر در صندلی کناری اش یک زن نشسته باشد به ویژه اگر زیبا و آرایش کرده باشد، بعید است که از فتنه و شر در امان بماند، و هر آنچه که به فتنه و شر منجر شود حرام است و جایز نیست.

از الله تعالى خواهانیم که برادران و خواهران مسلمان ما را از این امور که نتیجه ای جز شر و فتنه و فساد برای جوانان آنان ندارد در امان نگه دارد.

- و اگر جز این دانشگاه های مختلط، دانشگاه دیگری در آن کشور نباشد دانشجو باید چکار کند؟

حتی اگر جز این دانشگاه های مختلط نباشد، تحصیل در آن سرزمین را رها کرده و به سرزمین دیگری می رود که در آن اختلاط نباشد، چون من چنین چیزی را جایز نمی دانم و شاید نظر دیگر [علما] چیز دیگری باشد.

- برخی از مردم رسم و عادت دارند که زن نامحرم اگر حایلی بر روی دستش قرار دهد (مثل پارچه یا روسری) با او دست می دهند. حکم این کار چیست؟ و آیا زنی که کهنسال شده حکمش مانند دختر کم سن و سال است؟

برای مردم جایز نیست که با زنی بیگانه که از محارم او نیست نه مستقیم و نه با حایل دست دهد؛ زیرا این از جمله اسباب فتنه است، و الله تعالى می فرماید:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِذَا هُوَ كَانَ فَلَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: 32]

{و به زنا نزدیک نشوید، زیرا [بی نهایت] زشت است و راه بسیار بدی است} [اسراء: ۳۲]. این آیه دال بر این است که باید هر چیزی را که باعث رسیدن به زناست رها کنیم، چه زنای شرمگاه که بدترین زناست، و چه دیگر زناها، و شکی در این نیست که لمس دست زن بیگانه باعث برانگیختن شهوت می شود و دربارۀ کسی که با زن بیگانه دست می دهد احادیثی وارد شده که در آن وعید شدید آمده است، و در این باره فرقی میان زن کهنسال و جوان نیست، زیرا چنانکه می گویند: هر آنچه عده ای از مردم به آن بی

میل باشند، عده ای به آن میل دارند، و از سوی دیگر، از نظر فهم مردم حد جوانی یکی نیست، و یکی ممکن است زنی را مسن بداند و دیگری آن را جوان بداند.

## کار زن همراه با مردان

- شما حدود رابطه بین مرد و زن را بیان کردید که کدام یک جایز است و کدام یک حرام، اما درباره حکم رابطه مرد و زن در محیط کار، آیا برای زن جایز است که در محیط مختلط با مردان کار کند؟ به ویژه اینکه این پدیده در بسیاری از کشورها موجود است؟

نظر من بر جایز نبودن اختلاط میان مردان و زنان در کار دولتی یا کار در بخش خصوصی یا مدارس دولتی یا مدارس خصوصی است، زیرا مفسد بسیاری از اختلاط حاصل می شود. و اگر این عاقبتی جز از بین رفتن حیا و از بین رفتن هیبت مردان نداشت، کافی بود، زیرا اگر مردان و زنان مختلط شوند، هیبتی از مردان [نزد زنان] باقی نمی ماند، و این - یعنی اختلاط بین مردان و زنان - خلاف چیزی است که شریعت اسلامی می خواهد و برخلاف روشی است که سلف صالح بر آن بودند. آیا ندانسته ای که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای زنانی که می خواستند به مصلاهی عید بروند مکان خاصی قرار داده بود تا با مردان اختلاط نداشته باشند، چنانکه در حدیث صحیح آمده که وقتی ایشان **صلی الله علیه وسلم** برای مردان خطبه گفتند پایین آمدند و به نزد زنان رفتند و برای آنان موعظه نمودند و پند و اندرز دادند، و این دال بر آن است که زنان خطبه **پیامبر صلی الله علیه وسلم** را نشنیده بودند یا اگر شنیده بودند [به دلیل دوری از مردان] متوجه چیزی که از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** شنیده بودند، نشده بودند. سپس آیا ندانسته ای که پیامبر **صلی الله علیه وسلم** فرموده اند: «**بهترین صفوف**

زنان، آخرین آن و بدترینش، اولین آن است، و بهترین صفوف مردان اولین آن، و بهترینش آخرین آن است»؟ و دلیلش چیزی نیست جز اینکه صف اول زنان، به مردان نزدیک است، بنابراین بدترین صف های زنان [صف آخر] است و چون صف آخر زنان از مردان دور است، بهترین صف زنان است، و اگر این در یک عبادت مشترک باشد، درباره غیر عبادت چه می شود گفت؟ در حالی که انسان در حال عبادت در دورترین حالات خود از مسائلی است که به غریزه جنسی مربوط است، حال چه می شود اگر اختلاط برای غیر عبادت باشد؟ در حالی که شیطان در رگهای انسان جاری است، بنابراین بعید نیست که فتنه و شر بزرگی از این اختلاط حاصل شود. چیزی که برادرانم را به آن فرا می خوانم این است که از اختلاط دوری کنند و این را بدانند که این امر از مضرترین امور برای مردان است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: **«بعد از خودم برای مردان فتنه ای زیانبارتر از فتنه زنان به جای نگذاشته ام»**، ما مسلمانان - الحمدلله - ویژگی ای داریم که با آن از دیگران متمایز شده ایم، و واجب است که الله تعالی را برای این منتهی که بر ما نهاده حمد گوئیم و باید بدانیم که ما پیروی شرع پرورگار حکیم هستیم که مصلحت بندگان و سرزمین ها را می داند، و واجب است بدانیم که کسانی که از راه الله عزوجل و از شریعت او دور شده اند بر گمراهی هستند و کارشان رو به تباهی است؛ برای همین شنیده ایم که ملت هایی که زنان و مردانش با یکدیگر اختلاط دارند الان تلاش می کنند که از این اختلاط رها شوند، اما اکنون چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ از الله خواهانیم که سرزمین ما و سرزمین های مسلمان را از هر بدی و شر و فتنه ای حفظ کند.

## کار مباح

- چه عرصه هایی به عنوان کار برای یک زن مناسب و مباح است بدون آنکه در امر دینش تخلفی مرتکب شود؟

عرصه کار زن، مواردی است که خاص به زنان است، مانند آنکه در آموزش دختران (مدارس دخترانه) فعال باشد، و تفاوتی ندارد که این کار اداری باشد یا فنی، یا آنکه در خانه اش در دوختن لباسهای زنانه و مانند آن فعال باشد. اما کار در عرصه های خاص به مردان جایز نیست، زیرا این مستلزم اختلاط با مردان است و این فتنه ای است بزرگ که باید نسبت به آن هشدار داد. و باید بدانیم که از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** ثابت است که فرمودند: **«بعد از خودم برای مردان فتنه ای زیانبارتر از فتنه زنان به جای نگذاشته ام»**. پس واجب آن است که انسان در هر حال خودش و خانواده اش را از امکان فتنه و اسباب آن دور نگه دارد.

## نگاه کردن به چهره هنرپیشه ها و خواننده های زن جایز نیست

- پدیده ای میان جوانان شایع است و آن جمع آوری تصاویر زنان نامحرم هنرپیشه و خواننده و دیگران است و برای لذت بردن به این تصاویر نگاه می کنند و برای کارشان دلایل بی اساسی می آورند از جمله اینکه اینها تصویر است و واقعی نیست.

این سهل انگاری بسیاری خطرناکی است. اینکه انسان به زنان نگاه کند، چه این نگاه کردن از طریق رسانه های تصویری باشد یا از طریق روزنامه ها و مجلات و غیر آن، این ناگزیر باعث فتنه در دل مردان می شود و او را به



جایی می کشاند که مستقیماً به زنان بنگرد و این چیزی است که مشاهده شده، و دربارهٔ جوانانی به ما گفته اند که تصاویر زنان زیبا را جمع آوری می کنند تا با دیدن آن لذت ببرند، و این دال بر بزرگی فتنهٔ مشاهدهٔ این تصاویر است، بنابراین جایز نیست که انسان این تصاویر را مشاهده کند، چه در مجله یا در روزنامه یا در غیر آن باشد. زیرا در آن فتنه ای است که به دینش زیان وارد می کند و دلش وابستهٔ نگاه به زنان می شود و در نتیجه به نگاه مستقیم به زنان رو می آورد.

- عورت زن مسلمان و بدکار و کافر چیست؟

عورت زن در برابر زن، بر اساس اختلاف دین تغییر نمی کند و عورت زن در برابر زن مسلمان همانند عورت او در برابر زن کافر است، و عورتش در برابر یک زن پاکدامن همانند عورتش در برابر یک زن بدکار است، مگر آنکه سببی دیگری وجود داشته باشد که احتیاط بیشتر را واجب سازد، اما این را باید بدانیم که عورت مقیاس لباس نیست، زیرا واجب است که لباس پوشاننده باشد، اگرچه عورت - منظورم عورت زن است - در برابر زن مابین ناف و زانو است، اما لباس یک چیز است و عورت چیزی دیگر. و اگر فرض کنیم که زنی لباسی باوقار پوشیده باشد ولی به دلیل عارضی، سینه اش یا پستانش در برابر زنی دیگر آشکار شد، اما لباسی که پوشیده پوشاننده است و فراگیر، این اشکالی ندارد. اما اینکه لباسش کوتاه باشد و از ناف تا زانو باشد به این بهانه که عورت زن در برابر زن از ناف تا زانو است، این جایز نیست و گمان نمی کنم کسی [از علما] چنین گفته باشد.

- آیا برای زن جایز است که برای شیر دادن به کودکش، نزد زنان سینه اش را آشکار کند؟

از پاسخ قبل می توان پاسخ این پرسش را دانست.

- حکم استفاده از وسایل آرایش مصنوعی برای زیبایی یا زیباسازی خود برای شوهر چیست؟

هر وسیله آرایشی که زن با آن خود را زیبا کند در صورتی که زینتی برای او نداشته باشد اشکالی ندارد؛ اصل بر حلال بودن است، بنابراین حرام نیست مگر آنچه دلیل بر تحریمش باشد، اما من شنیده‌ام که این پودرها (مواد آرایشی مصنوعی) اثر بدی روی پوست زن می‌گذارد و در مدت کوتاهی آن را تغییر می‌دهد و این چیزی است که به نظر می‌آید؛ زیرا بنابر عادت ثابت شده که عکس العمل همانطور که در امور حسی رخ می‌دهد در امور معنوی هم رخ می‌دهد. حال اگر بدون تردید ثابت شود که استفاده از این وسایل هیچ زینتی برای زن ندارد، کاربردش اشکالی ندارد زیرا باعث جلب توجه شوهر به زنش و محبوبتر شدن او می‌شود، به ویژه اگر شوهر از کسانی باشد که به این مظاهر توجه می‌کند، چون همسران با یکدیگر متفاوت هستند، شاید برای برخی مهم نباشد که زن از این وسایل آرایشی استفاده بکند و برخی هم علاقه زیادی به این نوع آرایش‌ها داشته باشند. اما اگر زنان در اثنای دید و بازدید با همدیگر آرایش کنند اگر در حدود شرعی مباح باشد اشکالی ندارد.

- آیا برای دختری که ازدواج نکرده جایز است که آرایش کند و نزد زنان بیاید؟

بنابر قاعده برخی از علما برای دختری که ازدواج نکرده آرایش شایسته نیست زیرا از او چنین چیزی خواسته نشده، بنابراین نظر من این است که دختر ازدواج نکرده از آرایش دوری کند، و حکم زنی که شوهر دارد را قبلاً گفتیم.

- حکم استفاده از عطر برای زنان در خانه وقتی که مهمان می آید چیست؟

اگر زنان در خانه از عطر استفاده کنند بعدا [که] از خانه خارج می شوند و به بازار می روند، بوی عطر آنان آشکار می شود و از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** ثابت است که فرمودند: **«هر زنی که عطری به او رسیده، با ما در [نماز] عشاء حاضر نشود»**، این دال بر آن است که برای زن جایز نیست که در حالی که عطر زده از خانه خارج شود. بلکه اگر این زنان کنار در خانه سوار اتومبیل می شوند و از نزد هیچ نامحرمی نمی گذرند، این اشکالی ندارد.

- حکم لباس های زنانه ای که توسط کافران طراحی شده و پوشاننده است بدون قصد شبیه ساختن خود به کافران چیست؟

اینجا کلمه «قصد شبیه ساختن» وارد نیست، زیرا اگر شبیه شدن حاصل شود، آنچه نباید رخ داده و حکمش نیز ثابت می شود، چه قصد داشته باشد و چه قصد نداشته باشد، حال اگر این لباس ها از لباس های خاص به کفار است و جز آنان کسی نمی پوشد، پوشیدنش برای مسلمان جایز نیست، اما اگر لباسی باشد که میان مسلمانان و غیر مسلمانان رایج است اما مثلا در سرزمین ما رایج نیست، پوشیدن آن اشکالی ندارد مگر آنکه لباس شهرت باشد (باعث انگشت نمایی شود)، پس اگر لباس شهرت باشد حرام است.

- حکم پوشیدن لباس های تنگ و کوتاهی که ساق های پا را در برابر محارم و زنان آشکار می سازد چیست؟

چنانکه قبلا گفتیم، لباس باید پوشاننده و فراگیر باشد و تنها محدود به عورت نباشد. بر این اساس برای زنان واجب است که لباسی بلند و فراگیر

پوشند، اگرچه آشکار کردن ساق پای برای زنی مانند او یا در برابر محارمش جایز است؛ زیرا ما به ویژه در این دوران باید نسبت به این امور احتیاط بسیاری داشته باشیم و از چیزی که ممکن است ما را به تدریج به سمت مشابَهت به کافران در لباس آنان بکشاند جلوگیری کنیم.

- کوتاه کردن مو برای زن جوان به قصد آرایش چه حکمی دارد؟

اگر کوتاه کردن مو تا حدی باشد که به شبیه شدن به مردان بینجامد، این حرام است؛ زیرا رسول الله **صلی الله علیه وسلم** زنانی را که خود را به مردان شبیه می سازند لعن نموده اند، و همینطور اگر مدل مویش مشابه به زنان کافر باشد، که این نیز حرام است، زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم** می فرماید: «هر که خود را به قومی شبیه سازد از آنان است». اما اگر به شکلی متفاوت از این دو حالت باشد، بنابر قول مشهور در مذهب حنابله این کار مکروه است، و این قول اگر چه دلیل واضحی ندارد اما گرفتن آن خوب است، تا زنان به تدریج از مباح به سوی امر ممنوع و از مکروه به سوی حرام نروند. بنابراین قول به کراهت اینجا از ترس افتادن در حرام، قول خوبی است.

- گفته می شود که شما در شرح «بلوغ المرام» گفته اید که مرد هنگام مسح سر در وضو سرش را از جلو تا پشت و از پشت سر تا جلو مسح می کند تا آب به ته [موهای] سر هم برسد. آیا این درست است؟

و آیا این شامل زنان نیز می شود؟ چون برای زن از آنجایی که موهایش بلند است چنین کاری سخت است.

بله، از این جهت که از جلوی سر تا پشت سرش و از پشت سر تا جلوی سر را مسح می کند، این درست است و این در سنت ثابت است. اما اینکه

آب باید به ریشه موها برسد دروغ است و درست نیست و با مسح نمی توان آب را تا ریشه موها رساند، زیرا معنای مسح آن است که دستانش را خیس کند سپس با آن سرش را مسح کند، و با این کار ممکن نیست که آب به ریشه موها برسد، مگر آنکه پس از تراشیدن موها باشد.

- اما آیا این مسح شامل زنان نیز می شود؟

بله؛ اصل در احکام شریعت آن است که هر آنچه برای مردان ثابت شده در حق زنان نیز ثابت است، و آنچه برای زنان آمده در حق مردان نیز ثابت است، مگر بر اساس دلیل [که زنان را خاص بگرداند] و دلیلی نمی دانم که زن را در این مسئله ویژه ساخته باشد. بر این اساس، از جلوی سر تا پشت سر را مسح می کند، و اگر مویش بلند بود تاثیری بر آن نخواهد گذاشت زیرا معنای [مسح] این نیست که آنقدر محکم بر مویش مسح کند که خیس شود یا به بالای سر برسد، بلکه منظور، مسح سر به آرامی است.

- آیا زن برای سجده تلاوت باید حجابی همانند نماز داشته باشد؟

این مبنی بر اختلاف علما درباره سجده تلاوت است که آیا حکم آن همان حکم نماز است، که در این صورت باید در آن ستر عورت نمود و رو به قبله کرد و با وضو بود، اما اگر بگوییم این یک سجده محض است و شروط نماز برایش لازم نیست، در این صورت شرط نیست که زن هنگام این سجده همانند نماز حجاب داشته باشد بلکه حتی لازم نیست انسان برای این سجده وضو داشته باشد، اما بدون شک گرفتن قول نخست به احتیاط نزدیکتر است، یعنی آنیکه انسان بدون وضو سجده نکند و زن و مرد در هنگام این سجده همان قسمتهایی از بدن را که پوشاندن آن در نماز واجب است، بپوشانند.

- آیا اگر زن از جلوی نماز زنی دیگر بگذرد، نمازش قطع می شود؟

بله، قطع می شود؛ چون درباره احکام، میان زنان و مردان فرقی نیست مگر در صورت وجود دلیل، اما اگر از پشت ستره اش رد شد - در صورتی که ستره گذاشته بود - یا اگر از جلوی جانمازش رد شد - اگر سجاده و جانماز گذاشته باشد - یا از پشت محل سجده اش رد شد - در صورتی که ستره و سجاده نداشت - این زبانی به نمازش نمی رساند و اثری ندارد.

- اما اگر جلوگیری از این چیز امکان نداشته باشد، مثلا در صورتی که در حریم نماز بخواند چگونه؟

حدیث چیزی را مستثنی ندانسته و در این مشقتی نیست؛ زیرا امکانش هست مردم را از این کار منع کنی و مردم هم خواهند پذیرفت، و اگر امکانش نبود می توانی نماز نفل را به وقتی که آنجا ازدحام نباشد موکول کنی یا به جای دیگر که خلوت است بروی یا اگر نافله بود می توانی آن را در خانه ات انجام دهی، زیرا نماز نافله در خانه، بهتر از نافله در مسجد است، چه مسجد الحرام باشد و چه مسجد نبوی یا در دیگر مساجد؛ زیرا پیامبر **صلی الله علیه وسلم** در حالی که در مدینه بودند فرمودند: **«بهترین نماز، نماز شخص در خانه اش است، مگر نماز فرض»**، و رسول الله **صلی الله علیه وسلم** در مدینه، در خانه شان نمازهای مستحب را ادا می کردند.

- حکم پوشیدن لباس سفید [عروس] توسط زن در شب عروسی اش در صورتی که بداند این کار شبیه ساختن خود به کافران است، چیست؟

برای زن پوشیدن لباس سفید جایز است، به شرط آن که لباس همانند لباس مردان دوخته نشده باشد. اما اینکه این لباس (لباس عروسی) شبیه به لباس کافران است، این شبیه بودن اکنون از بین رفته است، زیرا مسلمانان

نیز هرگاه بخواهند ازدواج کنند این لباس را می پوشند و وجود حکم یا عدم آن وابسته به علت است، هرگاه علت وجود داشته باشد حکم نیز وجود دارد و هرگاه نباشد، حکم نیز وجود ندارد. و چون که قصد مشابَهت از بین رفته و [پوشیدن این لباس در مراسم عروسی] مسلمانان و کافران را در بر گرفته است، حکم آن نیز زائل می شود. اما اگر چیزی به ذات خود حرام باشد نه از روی مشابَهت، در هر حال حرام خواهد بود.

- زنی هست که شوهرش برخی شب های رمضان از او می خواهد برای مهمانان غذا بپزد و او وقتی این کار را انجام می دهد احساس خستگی شدید می کند و نمی تواند آن شب به نماز شب بایستد. آیا اگر این وضعیت بیشتر شب های رمضان ادامه داشته باشد، برای او واجب است که در این زمینه از شوهرش اطاعت کند؟

واجب بر زن این است که با شوهرش به نیکی معاشرت کند و بر مرد هم واجب است که با همسرش به نیکی معاشرت کند، الله تعالی می فرماید:

﴿... وَعَايِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ [النساء: 19]

{و با آنها به طور شایسته رفتار کنید} [نساء: ۱۹]، و این شایسته نیست که مرد همسرش را در چنین وقتی به این شکل خسته کند، اما اگر شوهر اصرار داشت، برای زن شایسته است که از او اطاعت کند و اگر خسته شد و برایش دشوار بود الله اجر آنچه نیت کرده را برایش خواهد نوشت؛ زیرا او این [قیام رمضان] را برای عذر ترک کرده است تا طاعت شوهر در آنچه طاعتش لازم است را انجام دهد.

## فتاوی ازدواج

شکی در این نیست که ازدواج یعنی اضافه کردن یک خشت جدید به خشت های بنای جامعهٔ مسلمان و پایه ای جدید از پایه های آن، از این رو این همه مورد توجه و عنایت است.

زیرا ساختن نسل ها و ملت ها بر همین خشت استوار است و آغاز می شود، و این خاستگاه اگر از فریب و ناخالصی در امان باشد، سیر حرکت جامعه از همهٔ موانع و قیودی که مانع از انجام وظایفش است در امان می ماند.

شخص مسلمان با ازدواج، یک زندگی جدید را آغاز می کند اما این زندگی باید پشتوانه ای از فهم درست و درک عمیق نسبت به نیازهای زندگی زناشویی داشته باشد.

ما اکنون در تعطیلات تابستانی هستیم که جشن های ازدواج بسیار در این مدت برگزار می شود و مناسب دیدیم که با یکی از شخصیت های برجسته امت دیداری داشته باشیم تا روش درست و سیاست شرعی ثابتی که دین حنیف ما ترسیم نموده را برای ما مشخص نماید تا از دستورالعمل های این دین پیروی کنیم و از دیدگاه آن راهنمایی بجوییم تا از افتادن در خطا و لغزش در امان بمانیم.

دیدار ما با جناب شیخ محمد بن صالح العثیمین حفظه الله است تا دربارهٔ قضایای مربوط به ازدواج و واجبات زوجین، پیش و پس و در اثنای ازدواج ما را راهنمایی کند. و همچنین دربارهٔ محذوراتی که ممکن است در ازدواج رخ دهد و خواهشمندیم که نصایح و توصیه های با ارزشی را که در دین و دنیای امت به سود آنان است به ما ارائه دهند.



اکنون این گفتگو را خواهیم شنید:

- جناب شیخ، شما می دانید که ازدواج یعنی پاسخ دهی امن به یک نیاز غریزی میان مرد و زنی که خواهان عفت هستند و اگر این امکان فراهم نگردد خیانت رخ می دهد که عامل ویرانی امت است. نصیحت شما برای کسی که خواهان ازدواج است، چیست؟ و داماد و عروس در شب ازدواج چه کارهایی باید انجام دهند؟

نصیحت من برای مردانی که خواهان ازدواج هستند این است که زنانی را انتخاب کنند که پیامبر **صلی الله علیه وسلم** به ازدواج با آنان سفارش کرده اند، چنان که می فرمایند: «با زن دوستدار [و اهل محبت شوهر] و فرزندآور ازدواج کنید»، و فرمودند: «برای چهار چیز با یک زن ازدواج می کنند: برای مالش، و جایگاه اجتماعی اش، و زیبایی اش، و دینش، پس تو آنکه دین دار است را به دست آور». و زن نیز مردی را که دارای اخلاق و دین است برگزیند، به دلیل سخن پیامبر **صلی الله علیه وسلم** که می فرمایند: «هرگاه کسی که دین و اخلاقش را می پسندید [به خواستگاری] نزد شما آمد، او را به ازدواج در آورید». و اینکه نهایت بررسی را انجام دهد و در پذیرش خواستگار عجله نکند تا آنکه درباره حال و روز آن خواستگار تحقیق نماید و بعدا برای عجله اش پشیمان نشود. چیزی که باید در شب دخول (یکجا شدن زن و مرد) رعایت کرد این است که شوهر با روی گشاده و لبخند نزد او برود تا با او انس بگیرد؛ زیرا در آن لحظه زن نوعی اضطراب دارد و دست بر پیشانی او بگذارد و این دعا را بخواند: **«اللهمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا، وَخَيْرَ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ»** یعنی: خدایا از تو خیرش را می خواهم و بهترین [خصلت هایی] که او را بر آن سرشته ای، و به تو از شر او پناه می برم و بدی هایی که او را بر آن سرشته ای. این را با صدای بلند بگوید، البته اگر ترس ناراحت

شدن زن نباشد، و اگر ترسید که ناراحت شود، کافی است که دستش را بر پیشانی او بگذارد و به صورت پنهانی دعا کند. و هنگامی نزدیکی با زنش همان چیزی را بگوید که رسول الله **صلی الله علیه وسلم** به آن سفارش کرده است: «اگر هرگاه کسی از شما به نزد همسرش می رود بگوید: **بِسْمِ اللّٰهِ، اللّٰهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا،** اگر مقدر شد که بین آنان فرزندی به وجود آید، شیطان هرگز به او زیانی نمی رساند». یعنی: خداوندا شیطان را از ما دور کن و شیطان را از آنچه روزی ما ساخته ای دور گردان. این از اسباب صلاح فرزندان است که کاری آسان. همچنین از جمله چیزهایی که شایسته است بدانند و بلکه لازم است بدانند این است که اگر جماع رخ دهد، غسل بر هر دو شخص لازم می شود، حتی اگر انزال صورت نگیرد. بعضی از مردم گمان می کنند که غسل تنها در صورت انزال واجب می شود اما این گمان اشتباه است، زیرا غسل در صورت جماع واجب می شود حتی اگر انزال صورت نگیرد، به دلیل این سخن پیامبر **صلی الله علیه وسلم** که می فرماید: «هرگاه شوهر میان اعضای چهارگانه همسرش قرار بگیرد و همبستری کند، غسل واجب می شود اگرچه انزال نشود». بر این اساس، غسل با دو چیز واجب می شود: یا با انزال و یا با جماع؛ بنابراین اگر انزال صورت گیرد (منی خارج شود) چه به سبب بوسه باشد یا در آغوش گرفتن یا نگاه از روی شهوت یا سخن گفتن یا به هر سبب دیگری، غسل واجب می شود، و اگر جماع صورت گیرد نیز غسل واجب می شود اگرچه منی خارج نشود. چیزی که شایسته است به آن اشاره شود این است که برخی از همسران - الله هدایتشان کند - به نماز صبح عروسی شان توجه نمی کنند یا آنکه این نماز را آخر وقت و در غیر جماعت ادا می کنند و یا اصلا ادایشان نمی کنند مگر پس از طلوع آفتاب، که این از عادات منکر است و در منافات با شکر نعمت الله است، زیرا شکر نعمت الله آن است که طاعتش را انجام دهی.

- نظر شما دربارهٔ این سخن شایع که برخی تکرار می‌کنند چیست؟ می‌گویند که شوهر اگر نماز صبح روز اول ازدواجش به مسجد آمد یعنی به زنش رغبتی ندارد و اگر به او میل و رغبت داشت کل آن روز بیرون نمی‌آمد؟

می‌گوییم: این سخنی است فاسد. بلکه اگر نماز صبح را ادا کند این دلیل میل او به آن زن و شکر نعمت الله عزوجل است که این ازدواج را برای او فراهم نموده. بنابراین واجب آن است که شوهر، نماز صبح را با جماعت ادا کند و نماز جماعت را بدون عذر شرعی ترک نکند.

- الله شما را حفظ کند؛ نظر شما دربارهٔ این سخن برخی از علما چیست که می‌گویند: «کسی که منتظر است تا عروسش را بیاورند، برای ترک جماعت معذور است».

نظر ما این است که: در سخنان علما هم خطا وجود دارد و هم صحیح، و واجب آن است که به کتاب و سنت برگردیم.

ثانیا: علمایی که این سخن را گفته اند دربارهٔ امری سخن گفته اند که خودشان بر آن بودند، یعنی شرایطی که مرد به استقبال همسرش می‌رفت، نه آنکه زن منتظر همسرش باشد. در این حالت مرد در خانهٔ خودش بود و عروس را به نزد او می‌آوردند، و در این چنین حالتی او برای ترک جماعت معذور است زیرا اگر به نماز جماعت برود دلش مشغول خواهد ماند، حال آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «در حضور غذا، نماز نیست»، و ابن عمر رضی الله عنهما صدای امام را می‌شنید که [در نماز] قرائت می‌کند در حالی که شام می‌خورد و برای نماز برنمی‌خاست تا آنکه شامش به پایان برسد. اگر مرد در چنین حالتی برای ترک جماعت معذور

است، آنکه منتظر است تا عروسش را بیاورند در مشغولیت ذهنی شدیدتر و عذر واضح است.

اما عادت مردم امروزه برخلاف این است؛ یعنی شوهر است که به نزد عروس می آید و این به دست اوست [که کی به نزد زنش برود] بنابراین برای ترک جماعت معذور نیست.

- جناب شیخ، نزد بسیاری از مردم این مشهور است که مرد اگر [در شب ازدواج] به نزد همسرش رفت در برابر او دو رکعت نماز می گزارد و زنش نیز با او نماز می خواند، آنطور که برخی به محض رفتن به نزد همسرشان قبل از آنکه با او سخن بگویند به نماز می ایستند. آیا این سنت است؟

در این باره آثاری از برخی از صحابه رضی الله عنهم وارد شده مبنی بر اینکه مرد هرگاه به نزد همسرش می رود نخست با او دو رکعت نماز می خواند، اما از پیامبر **صلی الله علیه وسلم** در این باره چیز صحیحی وارد نشده و کسی که چنین می کند امیدوارم کارش اشکالی نداشته باشد و اگر انجامش ندهد نیز اشکالی ندارد.

- می دانید که زنان عقل و دینشان ناقص است، و اینجا مسئله ای پیش می آید: اگر زنی مردی ناصالح را انتخاب کند و مردی که پدرش انتخاب کرده شخصی درستکار است، آیا به نظر او عمل می شود یا مجبور به انتخاب پدرش می شود؟

مجبور کردنش به انتخاب پدر جایز نیست، اگر چه شخص صالحی باشد؛ به دلیل سخن پیامبر **صلی الله علیه وسلم** که می فرماید: «دختر به ازدواج در نمی آید تا آنکه از او اجازه گرفته شود و بیوه [که شوهرش از دنیا رفته یا زنی که طلاق گرفته] به ازدواج در نمی آید مگر به امر او»، و

در یکی از لفظ های مسلم آمده است: «و در مورد دختر باکره، پدرش از او درباره [ازدواج] او اجازه می گیرد». اما اینکه او را به ازدواج کسی در آورند که دین و اخلاقش مورد پسند نیست نیز جایز نیست؛ برای همین پدرش او را از این کار باز می دارد و اگر آن مرد، شخص درستکاری نیست، می گوید: تو را به ازدواج این مرد که می خواهی درنخواهم آورد.

اگر کسی بگوید: در صورتی که زن اصرار کرد که تنها با این مرد ازدواج خواهد کرد چه؟

پاسخ: ما او را به ازدواج آن مرد در نمی آوریم، و گناهی بر ما نیست. بله اگر انسان از مفسده ای ترسید یعنی آنکه میان او و این خواستگار فتنه ای منافق عفت رخ دهد و در آن مرد مانعی شرعی برای ازدواج نیست، او را برای جلوگیری از فتنه به ازدواجش درمی آوریم.

- درباره برخی از پدران که مهریه را کامل می گیرند و سپس تنها اندکی از آن را به دختر می دهند چه می گوئید؟ برخی از این مهریه ها مبالغی نجومی است که شاید به صد و پنجاه هزار ریال سعودی برسد. سپس اگر کسی بداند که این مهریه که گرفته شده به زور و بدون رضایت دختر از او گرفته شده در صورتی که مدت زیادی از ازدواج گذشته باشد باید چکار کند؟

در این سوال دو مسئله مهم وجود دارد:

نخست: آیا برای ولی زن - پدرش باشد یا دیگری - جایز است که چیزی از مهریه را برای خودش یا دیگری شرط کند؟

پاسخ: جایز نیست، زیرا مهریه همه اش از آن زن است؛ به دلیل این سخن حق تعالی:

﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...﴾ [النساء: 4]

{و مهریه های زنان را به عنوان هدیه [و فریضه ای الهی با خوشدلی] به آنان بدهید} [نساء: 4]، و به دلیل حدیث عمرو بن شعیب از پدرش از پدربزرگش که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر زنی که پیش از عقد نکاح بر اساس مهریه یا هدیه [اگر چه به اسم دیگری داده شود] یا وعده به ازدواج در آید، این ها برای آن زن است، و آنچه بعد از نکاح [به نزدیکان زن] داده شود، برای اوست [یعنی برای همان نزدیکان است]»، و در این باره بر اساس قول راجح تفاوتی میان پدر و دیگری نیست، اما اگر زن آن چیز را در اختیار بگیرد و ملکیتش بر آن کامل شود، تنها پدر می تواند هرچه از آن را بخواهد مالک شود، تا وقتی که زبانی به زن نرسد. اما بقیه اولیا حق تملک ندارند، اما اگر آن زن خودش از روی سخاوت و با دل خوش چیزی به آنان بخشید برایشان حلال است. امر دوم: برخی از مهریه های به مبالغی غیر قابل تصور می رسد که این خلاف سنت است. در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله روایت شده که مردی به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: من با زنی از انصار ازدواج کرده ام. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «بر چقدر [مهریه] با او ازدواج کرده ای؟» گفت: بر چهار اوقیه. پیامبر صلی الله علیه وسلم [انکار کنان] فرمود: «بر چهار اوقیه! انکار دارید از این کوه، نقره می کنید». و چهار اوقیه یعنی صد و شصت درهم که کمتر از حد نصاب زکات است. زیاده روی در مهریه سبب برداشته شدن برکت از نکاح است، زیرا پربرکت ترین نکاح، کم هزینه ترین آن است. و هرگاه در این زمینه زیاده روی شود، شوهر دچار غم و نگرانی خواهد شد به ویژه اگر به این سبب بدهکار شود و هرگاه به سبب ازدواج با همسرش شاد شود سپس به یاد بدهکاری اش بیفتد، شادی به غم و خوشبختی اش به بدبختی تبدیل می شود. همینطور اگر الله تعالی مقدر

ساخته باشد که مرد با همسرش سازگار نباشد [و از هم جدا شدند] جدایی شان آسان نخواهد بود و آن زن نیز با سختی و دشواری با او خواهد ماند و در وضعیتی معلق باقی می ماند که نه همسر اوست و نه طلاقش می دهد. و اگر مقدر شد که زن از شوهرش خواهان فسخ شود شوهرش فسخ را نمی پذیرد مگر با برگرداندن کامل مهریه که اگر زیاد باشد برای زن و خانواده اش برگرداندن آن بسیار دشوار خواهد شد؛ برای همین برادران مسلمان خود را توصیه می کنیم که از زیاده روی در مهریه و افتخار ورزیدن به آن خودداری کنند تا آنکه ازدواج برای جوانان آسان شود و اسباب فتنه ها کم شود، والله المستعان.

- جناب شیخ، از جمله اموری که از شما تقاضا داریم درباره آن به مردم هشدار دهید کارت هایی که مردم برای دعوت به ولیمه ازدواج به یکدیگر می دهند آنطور که قیمت برخی از این کارتها به هفت ریال سعودی می رسد. آیا می شود در این باره هشدار دهید به ویژه آنکه جایگزین های سودمندی مانند نوشتن دعوت بر روی پشت یک رساله علمی یا پشت یک نوار اسلامی نیز وجود دارد؟ همینطور استفاده از کاغذهای داره نقش و نگار که با خط زیبایی با کامپیوتر بر آن نوشته شده است قیمت چندانی ندارد. آیا می شود برای جلوگیری از این اسراف دعوت داد؟

من برادرانم را به ترک این اسراف دعوت می کنم و به نظرم هدر دادن مال بسیار برای صرف دعوت که شاید شخص مقابل آن را اجابت کند و یا نکند و بالاخره دور انداخته می شود، می گویم این از اسراف واضحی است که الله تعالی از آن نهی کرده و فرموده است:

﴿... وَأَبْنِ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۚ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۗ...﴾

﴿[الإسراء: 26-27]﴾

{و ولخرجی و اسراف نکن \* در حقیقت، اسرافکاران برادران شیاطین هستند} [اسراء: ۲۶-۲۷]. اما این ایده که دعوت بر پشت یک کارت باشد و روی آن سخنانی ماثور و هدفمند و سودمند باشد این فکر خوبی است و کاش چنین شود اما باید از برگه های معمولی باشد. و پیشنهاد دوم این است که همراه با این کارت نوارهای سودمندی باشد که این نیز خوب است، و این در برخی از دعوت ها رخ داده و بسیاری از [کارتهای] دعوت را دیده ایم که همراه با یک نوار به مردم داده می شود، و این کار خیری است و به اندازه توان به آن کمک خواهیم کرد و اگر مردم چنین بکنند این هم دعوت به ولیمه خواهد بود و هم دعوت به شریعت و هر دو نیکی را یکجا خواهیم ساخت. اما سومین پیشنهاد یعنی برگه های مصور نیز پیشنهاد خوبی است و هزینه زیادی ندارد و سودمند است.

- جناب شیخ: درباره شب ماندن واجب نزد زن می شنویم. آیا منظور از این در رختخواب است یا در اتاق یا در خانه؟

این بر اساس اختلاف عادات، متفاوت است؛ زیرا الله تعالی می فرماید:

﴿... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ [النساء: 19]

{و با آنها به طور شایسته رفتار کنید} [نساء: ۱۹]، اما این سخن الله تبارک و تعالی که می فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعُظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: 34]



{به زنی که از نافرمانی شان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ [اگر فرمانبردار نشدند،] در بستر از آنان دوری کنید} [نساء: ۳۴]، این دال بر آن است که کمال معاشرت آن است که مرد با همسرش در یک بستر باشد، و روش پیامبر صلی الله علیه وسلم همین بوده است، اما اشکالی ندارد که گاه به تنهایی بر یک تخت یا رختخواب بخوابد اما اصل آن است که مرد با زنش در یک فراش بخوابد.

- آیا عده زن با خلوت ثابت می شود یا با جماع؟ و آیا اگر او را طلاق دهد مهریه را پس می گیرد؟

اما آیه کریمه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾ [الأحزاب: 49]

{ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید، آنگاه پیش از آنکه با آنها همبستری کنید، طلاقشان دادید، پس عده ای برای شما بر آنها نیست که شما آن را بشمارید} [احزاب: ۴۹] این یعنی: جماع، اما خلفای راشدین رضی الله عنهم گفته اند: «مرد اگر با زنی خلوت کند سپس او را پیش از آنکه با او جماع کند طلاق دهد، عده بر او واجب می شود». و خلفای راشدین نیز به امر پیامبر صلی الله علیه و سلم سنتی پیروی شده دارند. این در صورتی است که در حال زندگی با طلاق یا به روشی دیگر از او جدا شود، اما اگر شوهر او بمیرد باید عده و حداد نماید اگرچه پیش از دخول و خلوت باشد؛ به دلیل این سخن حق تعالی که:

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ  
وَعَشْرًا...﴾ [البقرة: 234]

{و افرادی از شما که می میرند و همسرانی [غیرباردار از خود] باقی می گذارند، [آن زنان برای ازدواج مجدد] باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند [و عده نگه دارند]} [بقره: ۲۳۴]. اما مهریه، اگر پیش از دخول و خلوت او را طلاق دهد می تواند فقط نصف آن را پس بگیرد و اگر پس از دخول یا خلوت او را طلاق دهد چیزی از مهریه را پس نمی گیرد. و اگر شوهر بمیرد، مهریه کاملاً برای زن است و وارثان او هیچ حقی در این مهریه ندارند چه پیش از دخول و خلوت مرده باشد و چه پس از آن.

- در برخی از جشن های ازدواج، برخی از زنان نوارها و کتابچه هایی را که شامل پند و اندرز است پخش می کنند. آیا این کار مشروع است؟

این در ذات خود مشروع نیست اما به سبب دیگری پسندیده است، زیرا شاید جمع شدن زنان در مناسبی جز این حاصل نشود، بنابراین پخش کردن نوارها و کتابچه ها در این جمع کار خوبی است و از وسایل دعوت به سوی الله عزوجل است. اما باید این نوارها و کتابچه ها از سوی علمای مورد اعتماد از نظر علم و دین و منهج باشد.

- جناب شیخ، نظر شما درباره القای سخنرانی و وعظ در مناسبت های عروسی چیست؟

درباره موعظه در چنین حالتی هیچ حدیثی ندیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین کرده باشند، اما اگر از شخص عالم که مردم به حرفش گوش می کنند و سخنش را ملال آور نمی دانند در چنین جمعی خواسته شود که سخن بگوید، در این حالت گفتن پند و اندرز و احکامی که به آن

نیاز دارند نیکو است، اما نباید طولانی شود. و اگر خودش منکری را دید واجب است که برخیزد و مردم را نصیحت کند و آنان را از این منکر برحذر بدارد. همینطور اگر درباره مسئله ای از او پرسیده شود و سخن بگوید و توضیح دهد این کار نیکو است و ان شاء الله اشکالی ندارد.

- جناب شیخ، نظر شما درباره کاری که برخی از زنان انجام می دهند و در عروسی ها ترانه می خوانند چیست؟ آیا این صدا از جمله عورت است؟

خود صدا عورت نیست اما مشخص است که اگر صدای [ترانه خوانی] زنان در این مناسبت شنیده شود به ویژه اگر صدایی زیبا و دل نشین باشد در حالی که مردم در خوشی عروسی هستند، از آن بیم فتنه بسیار می رود و اینکه این صدا از میان آنها خارج نشود بهتر است و از فتنه دورتر، اما اینکه بعضی از مردم در عروسی ها بر روی بام خانه ها بلندگو می گذارند و مردم را با سر و صدا اذیت می کنند، این کاری است منکر که باید از آن جلوگیری کرد.

حاصل آنکه: خواندن سرود مناسب در این حالت برای زنان اشکالی ندارد، اگر همراه با آن موسیقی حرام نباشد.

- جناب شیخ، آیا زنان اجازه دارند که در جشن عروسی برقصند؟ به ویژه آنکه این رقص در برابر دیگر زنان است؟

رقص مکروه است و من در آغاز در این باره تساهل می کردم اما بعدها درباره حوادثی از من پرسیدند که هنگام رقص زنان رخ داده و سپس نظرم بر منع از این کار شد؛ چون برخی از دختران خوش اندام و زیبا و لاغر هستند و رقص آنها حتی باعث به فتنه افتادن برخی از زنان می شود آنطور که به من

گفته اند که برخی از زنان در این حالت زنی را که رقصیده می بوسند و به سینه می فشارند و از این کار فتنه ای آشکار می دهد.

- جناب شیخ، نظر شما درباره پوشیدن حلقه نامزدی چیست؟

حلقه ازدواج در واقع یک انگشتر است و اصل در انگشتر این است که اشکالی ندارد مگر آنکه اعتقاد خاصی همراه آن باشد چنانکه برخی از مردم انجام می دهند و مرد نام خود را بر روی انگشتری که به نامزدش می دهد حک می کند و نام او را بر روی انگشتر خودش حک می کند و اعتقاد دارند که این باعث ارتباط بین زوجین می شود. در این حالت چنین انگشتری حرام است زیرا به باوری ارتباط دارد که پایه و اساسی در شرع و حس ندارد. همچنین برای مرد جایز نیست که خودش این انگشتر را به دست نامزدش کند زیرا هنوز او همسرش نیست و برای او نامحرم است و جز با عقد نکاح، همسرش نخواهد شد.

- جناب شیخ، می دانیم که آشکار کردن چهره زن در برابر نامحرمان جایز نیست، اما پاسخ شما - حفظکم الله - برای حدیث آن عروسی که در حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم با چهره باز برای نامزدش نوشیدنی آورد چیست؟ با علم به اینکه این حدیث در صحیح مسلم است؟

این حدیث و امثال آن که ظاهرشان دال بر این است که زنان صحابه رضی الله عنهن چهره های خود را آشکار می کردند به دوره پیش از حجاب نسبت داده می شوند؛ زیرا آیات دال بر وجوب حجاب برای زنان آیاتی متاخر است که در سال ششم هجری نازل شده اند، و پیش از آن پوشاندن چهره و دستان برای زنان واجب نبود، بنابراین هر نسی که ظاهر آن دال بر جایز بودن آشکار کردن چهره نزد نامحرمان است بر قبل از نزول [آیات] حجاب حمل می شود.

اما شاید احادیثی بیاید که در آن نشانه هایی است دال بر اینکه این احادیث برای بعد از حجاب است. این احادیث نیاز به پاسخ دارد.

مانند حدیث آن زن خثعمی که برای پرسشش به نزد پیامبر **صلی الله علیه وسلم** آمده بود و فضل بن عباس در حجة الوداع کنار ایشان بود و به آن زن می نگریست و آن زن نیز به او می نگریست پس پیامبر **صلی الله علیه وسلم** چهره فضل را به سوی دیگر برمی گرداند، کسانی که نظرشان بر جواز آشکار کردن چهره برای زنان است به این حدیث استدلال کرده اند و بی شک این حدیث از احادیث متشابه است که در آن احتمال جواز وجود دارد و همچنین احتمال عدم جواز. احتمال جواز در آن آشکار است اما احتمال اینکه دلالت بر جایز نبودن داشته باشد چنین است که می گوئیم: این زن در حال احرام بوده و مشروع در حق آنکه در حال احرام است این است که چهره اش آشکار باشد، و نمی دانیم که کسی از مردم به او نگریسته باشد جز پیامبر **صلی الله علیه وسلم** و فضل بن عباس. اما درباره پیامبر **صلی الله علیه وسلم**، حافظ ابن حجر بیان کرده که درباره نگاه به زن یا خلوت با او برای پیامبر **صلی الله علیه وسلم** مواردی جایز است که برای دیگران جایز نیست. همانطور که برای ایشان جایز بود بدون مهریه و بدون ولی با زنان ازدواج کند و با بیش از چهار زن ازدواج کند و الله عزوجل در این امور چیزهایی را برای ایشان برداشته بود، زیرا ایشان عقیف ترین مردم بودند و ممکن نیست که بر دل پیامبر **صلی الله علیه وسلم** چیزهایی بگذرد که بر دیگران می گذرد یعنی چیزهایی که برای صاحبان مروت شایسته نیست. بر این اساس، قاعده نزد علما این است که هرگاه احتمال باشد استدلال نیز باطل می شود و در نتیجه این حدیث از جمله متشابهات است و درباره نصوص متشابه واجب آن است که این نصوص را به نصوص محکم بازگردانیم که دلالتی واضح دارند مبنی بر اینکه برای زن جایز نیست

که چهره اش را برای غیر شوهر یا غیر محارم آشکار سازد و اینکه آشکار کردن چهره توسط زن از اسباب فتنه و شر است. و این قضیه چنانکه می بینید در کشورهای که [علمایش] به زنان برای آشکار کردن چهره رخصت داده اند عیان است. آیا زنانی که به آنان رخصت داده اند تا چهره را آشکار کنند به آشکار کردن چهره اکتفا کردند؟ پاسخ: خیر، بلکه چهره و سر و گردن و بالای سینه و بازو و ساق و گاه حتی خود سینه را آشکار کردند و آنان دیگر نتوانستند زنانشان را از کاری که معترفند منکر است و حرام است باز بدارند. و اگر دروازه شر به روی مردم گشوده شود مطمئن باش که باز کردن یک در یعنی [باز شدن] درهای بسیار و اگر آن را کمی باز کنی بیشتر باز خواهد شد تا جایی که نتوان این شکاف را رفو کرد. بنابراین نصوص شرعی و داده های عقلی همه دال بر وجوب پوشاندن چهره برای زن است. من تعجب می کنم از گروهی که می گویند: زن باید پاهای خود را بپوشاند و جایز است که کف دستانش را آشکار بسازد. پوشاندن کدام یک مهمتر است؟ آیا کف دستان مهمتر نیست؟ زیرا ظرافت دستان و زیبایی انگشتان زن و سرانگشتانش در دستان بسیار جذابتر از پاهاست. همچنین تعجب می کنم از گروهی که می گویند: زن باید پاهای خود را بپوشاند و جایز است که چهره اش را آشکار سازد، اما کدام یک اولویت دارد؟ آیا این عاقلانه است که بگویم: شریعت اسلامی - این شریعت کامل که از سوی آن حکیم آگاه آمده - پوشاندن پاها را برای زن واجب می کند و برایش مباح می سازد که چهره اش را آشکار بسازد؟ پاسخ: هرگز، این خلاف حکمت است؛ زیرا تعلق مردان به چهره های [زنان] بسیار بیشتر از تعلق آنان به پاهایشان است و گمان نمی کنم مردی که قصد خواستگاری از دختری را دارد به واسطه ای که قرار است آن دختر را ببیند بگوید پاهایش را ببین که زیباست یا نه؟ و به چهره اهمیت ندهد؟ این غیر ممکن است، بلکه اولین چیزی که از او می خواهد این است که چهره اش را ببیند، که لبش چه شکل است و

چشمانش چگونه است؟ و به این صورت، اما اینکه در پی دیدن پا باشد و صورت را رها کند، این غیر ممکن است زیرا محل فتنه [و جذابیت] چهره است.

و کلمه «عورت» معنایش این نیست که چهره مانند شرمگاه باشد که انسان از آشکار کردن آن شرم کند بلکه معنایش آن است که پوشاندنش واجب است؛ زیرا باعث می شود مردها از دیدن زن دچار فتنه شوند و به او میل یابند.

من تعجب می کنم از گروهی که می گویند: برای زن جایز نیست که سه تار از موهای سرش یا کمتر را آشکار سازد سپس می گویند برای او جایز است که ابروهای نازک و مژگان سیاه سایه خورده را آشکار سازد؟ و کاش قضیه به آشکار ساختن همین قدر از زیبایی و زینت محدود می ماند، بلکه اکنون با انواع وسایل آرایشی قرمز و دیگر رنگ ها زیباتر می شود.

من معتقدم هر انسانی که جایگاه فتنه و امیال مردم را می داند برایش مطلقا امکان ندارد که آشکار کردن چهره را مباح بداند و پوشاندن پاها را واجب، و سپس این را به شریعتی که کامل ترین و حکیمانه ترین شرایع است نسبت دهد.

برای همین دیده ام که برخی از متاخرین گفته اند که علمای مسلمان بر پوشاندن چهره اتفاق نظر دارند که فتنه آن بس بزرگ است، چنانکه صاحب نیل الاوطار از ابن رسلان نقل کرده و گفته است: زیرا مردم اکنون ایمانشان ضعیف است و بسیار از زنان آنان در پی عفتی سر می برند بنابراین واجب آن است که چهره پوشانده شود حتی اگر [در اصل] قائل به مباح بودن [آشکار کردن] آن باشیم. زیرا حال و روز مسلمانان امروز قول به

و جوب پوشاندن چهره را ایجاب می کند چون مباح اگر وسیله ای برای رسیدن به یک حرام باشد خود نیز از روی تحریم وسایل، حرام می شود.

همینطور از کسانی که با قلم های خود به آشکار کردن چهره دعوت می دهند تعجب می کنم، انگار که این امر واجبی است که مردم ترکش کرده اند. چطور می توانیم دعوت به این امر را برای خود روا بدانیم حال آنکه عواقب وخیم آن را می بینیم؟

انسان باید پیش از آنکه بر اساس علم نظری در این موارد سخن بگوید، باید تقوای الله را رعایت کند و این از جمله مسائلی است که از نظر بسیاری از طلاب علم پنهان می ماند. طالب علم، یک علم نظری و تئوریک دارد و بر اساس همین علم نظری، حکمی را صادر می کند بدون آنکه اوضاع مردم و نتایج گفته خود را در نظر بگیرد.

عمر بن الخطاب رضی الله عنه گاه از چیزهایی جلوگیری می کرد که شارع [در اصل] آن را مباح ساخته و این برای جلب مصلحت بود. طلاق در دوران پیامبر **صلی الله علیه وسلم** و در دوران ابوبکر و دو سال از خلافت عمر سه طلاق، یک طلاق بود. یعنی مرد اگر زنش را با یک لفظ یا با سه کلمه پی در پی سه طلاق می داد این را یک طلاق به حساب می آوردند. و این بر اساس اختیار شیخ الاسلام ابن تیمیه است و همین قول راجح است. زیرا این طلاق، یک طلاق به حساب می آید. اما وقتی این مورد در بین مردم بسیار رخ داد، امیر المؤمنین عمر فرمود: «مردم درباره امری عجله کردند که در آن برایشان فرصت بود، پس همین را برایشان در نظر بگیریم» پس همین را برایشان تایید کرد و آنان را از برگشتن به همسرانشان [که آنان را با یک لفظ سه طلاق داده اند] باز داشت زیرا آنان در این امر عجله کرده بودند و عجله حرام است. می گویم: حتی اگر قائل به مباح بودن آشکار



کردن چهره باشیم، امانت علمی و مراعات مبنی بر امانت این را ایجاب می کند که در این دوران که فتنه ها در آن بسیار است آن را جایز ندانیم و از باب تحریم وسائل مانع از آن شویم، با این حال آنچه از ادله کتاب و سنت برمی آید این است که آشکار کردن چهره بر اساس دلیل شرعی و دلیل نظری حرام است، و تحریم آشکار کردن چهره بر تحریم آشکار کردن پا یا ساق پا و مانند آن اولویت دارد.

- جناب شیخ، نظرتان درباره شخصی که با زنی ازدواج کرده سپس پدرش او را مجبور کرده که طلاقش بدهد چیست؟ آیا زنش را نگه بدارد و مرتکب عاق پدر شود یا او را طلاق بدهد بدون آنکه گناهکار شود؟

اگر پدر از فرزندش بخواهد که زنش را طلاق بدهد این از دو حالت خارج نیست:

حالت نخست: اینکه پدر یک سبب شرعی را ذکر کند که طلاق و جدایی از آن زن را موجه بسازد، مانند آنکه بگوید: همسرت را طلاق بده چون رفتارش مشکوک است، مانند آنکه برای مردان نامحرم با ناز و ادا رفتار کند یا به جاهای نامناسبی برود و مانند آن، در این حالت، پسر حرف پدرش را گوش می دهد و او را طلاق می دهد، زیرا او را به دلیل خواهش نفسش و دلخواهش چنین توصیه ای نکرده بلکه می خواهد بستر پسرش از این آلودگی پاک بماند. حالت دوم: اینکه پدر به فرزندش بگوید: همسرت را طلاق بده، چون پسرش او را بسیار دوست دارد و این باعث حسادت پدر شده و این در میان مادران بیشتر است، و بسیاری از مادران وقتی می بینند که پسر همسرش را بسیار دوست دارد به او حسادت می کنند آنقدر که انگار زن فرزند همانند هووی آنها می شود. از الله عافیت می خواهیم. در حالت لازم نیست که مرد، همسرش را برای امر پدر یا مادر طلاق دهد اما با

آنها مدارا می کند و همسرش را نیز نگه می دارد و دل آنها را به دست می آورد و با سخن نرم آنان را قانع می کند تا آنکه راضی شوند که همسرش نزد او بماند، به ویژه اگر زن او از نظر دین و اخلاق بر استقامت باشد. عین همین مسئله را از امام احمد رحمه الله پرسیدند. مردی به نزد ایشان آمد و گفت: پدرم مرا امر کرده که زخم را طلاق دهم. امام احمد گفت: او را طلاق نده. گفت: آیا پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی که عمر دستور داد که فرزندش زنش را طلاق دهد، به او امر نکرد که دستور عمر را انجام دهد؟ امام احمد گفت: آیا پدر تو مانند عمر است؟ یا سخنی شبیه به این. و اگر پدر دلیل بیاورد و به پسرش بگوید: پسر، وقتی که عمر امر کرد که فرزندش، همسرش را طلاق دهد، پیامبر صلی الله علیه وسلم عبدالله بن عمر را امر کرد تا همسرش را طلاق دهد، در این صورت پاسخ او نیز همانند پاسخ این [پاسخ امام احمد] است، اما شایسته است که با او به نرمی سخن بگوید و بگوید: عمر متوجه چیزی شده بود که بنابر آن مصلحت این بود که فرزندش را امر کند تا به آن سبب همسرش را طلاق دهد.

- اگر پدر بخواهد که پسرش را به ازدواج زنی غیر درستکار در آورد حکم چیست؟ و اگر پدر نپذیرد که زنی درستکار را به ازدواج پسرش در آورد حکم چیست؟

پاسخ همانند پاسخ به سوال پیشین است که برای پدر جایز نیست که پسرش را مجبور کند که با زنی که او را به سبب یک عیب در دینش یا در اخلاقش، نمی پسندد ازدواج کند و چه بسیار بوده اند کسانی که فرزندان خود را مجبور به ازدواج با کسانی کرده اند که نمی خواستند و سپس از اینکه فرزندانشان را مجبور کردند پشیمان شدند. می گوید: با این زن ازدواج کن چون برادرزاده من است یا چون از قبیلۀ ماست و دیگر اسباب. اینجا برای فرزند لازم نیست که این را بپذیرد و برای پدرش هم جایز نیست که او

را مجبور به این کار کند. همینطور اگر خواست که با زنی درستکار ازدواج کند اما پدرش مانع شد، برای فرزند لازم نیست که از پدرش اطاعت کند. یعنی اگر فرزند به همسری صالح راضی شد، و پدرش به او گفت که با او ازدواج نکن، او حق دارد که با آن دختر ازدواج کند حتی اگر پدرش او را منع کند؛ زیرا برای پسر لازم نیست که در امری که زیانی برای پدرش ندارد و برای خود او سودمند است، از پدرش اطاعت کند، و اگر بگوییم: برای فرزند لازم است که در همه چیز از پدرش اطاعت کند حتی در آن چیزی که به نفع خود فرزند است و زیانی برای پدر در آن نیست، در این صورت مفاسدی پیش خواهد آمد. اما در چنین حالتی نیز شایسته است که فرزند با پدرش با احترام رفتار کند و تا جایی که بتواند از در مدارا وارد شود و او را در حد توانش قانع سازد.

- جناب شیخ، بگذارید برخی از اشتباهات شرعی که در برخی ازدواج‌ها رخ می‌دهد را برای شما بازگو کنم و از شما خواهشمندم در این باره به تفصیل سخن بگویید. این خطاهای شرعی چنین است:

اولاً: برخی از زنان لباس‌هایی را می‌پوشند که در جوامع ما معمول نیست و اینطور توجیهش می‌کنند که این لباس‌ها را فقط بین زنان می‌پوشند. این لباس‌ها آنقدر تنگ است که برجستگی‌های بدن را آشکار می‌کند و بعضی از این لباس‌ها از بالا آنقدر باز است که بخشی از سینه و پشت را آشکار می‌کند و برخی از پایین تا زانو‌ها یا نزدیک آن شکافته است.

ثانیاً: از جمله خطاهای شایع در برخی از ازدواج‌ها زدن بر دُف با بلندگو و آوازخوانی زنان و فیلمبرداری آن است و بدتر آن است که شوهر در برابر زنان، همسرش را می‌بوسد و وقتی که اهل غیرت نسبت به محارم الهی آنها را نصیحت می‌کنند، می‌گویند که فلان شیخ دُف زدن را جایز دانسته! اگر

این صحیح است لطفا در این باره آنچه حق است را برای مسلمانان توضیح دهید.

درباره خطای نخست، در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه [از رسول الله صلی الله علیه وسلم] ثابت است که فرمودند: «دو گروه از دوزخیان هستند که آنها را ندیده ام: گروهی که تازیانه هایی چون دُم گاو با خود دارند و با آن مردم را می زنند. و [گروه دوم] زنان نیمه برهنه ای که لباس دارند، اما در حقیقت برهنه اند و [از راه درست و از مسیر اطاعت پروردگار] منحرف هستند و دیگران را نیز به انحراف و فتنه می کشانند؛ سرهای شان را مانند کوهان شتر برآمده می سازند؛ اینها وارد بهشت نمی شوند و بوی بهشت به مشام شان نمی رسد؛ حال آنکه بوی بهشت از مسافتی دور احساس می شود». این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید: «پوشیده های عریان» یعنی لباسی پوشیده اند که آن ستر لازم را فراهم نمی سازد، زیرا یا کوتاه است یا نازک است و یا تنگ، برای همین امام احمد در مسند خود با سندی که خالی از ایراد نیست از اسامه بن زید رضی الله عنهما روایت کرده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به من پارچه ای قبطنی - نوعی لباس - داد پس من آن را بر تن همسرم پوشاندم، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به او امر کن تا زیر آن غلاله (نوعی لباس) بپوشد زیرا می ترسم که بدنش را توصیف کند». و از جمله آن باز بودن بالای سینه است، زیرا این خلاف امر پروردگار متعال است که می فرماید:

﴿...وَلْيَضْرِبَنَّ مُحْمَرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...﴾ [النور: 31]

{و باید روسری خود را بر سینه بیفکنند} [نور: ۳۱]، قرطبی در تفسیر می گوید: و شکل آن چنین است که زن روسری اش را بر یقه اش بیفکند تا

سینه اش را بپوشاند. وی سپس اثری را از عایشه روایت کرده که حفصه، دختر برادرش عبدالرحمن بن ابوبکر رضی الله عنهم بر او وارد شد در حالی که چیزی پوشیده بود که گردنش را آشکار می ساخت، پس آن را پاره کرد و فرمود: همانا [پارچه ای] کلفت که می پوشاند را بر اینجا قرار می دهند، و همچنین لباسی که از پایین شکافته باشد، در صورتی که چیزی زیرش نباشد، اما اگر زیر آن چیزی باشد که پوشاننده باشد، اشکالی ندارد مگر آنکه به شکل لباس های مردان باشد که در آن صورت برای تشبه به مردان حرام می شود.

بر ولی امر زن واجب است که او را از پوشیدن هر لباس حرام و بیرون رفتن با حالت تبرج یا در صورت استفاده از عطر باز بدارد زیرا ولی اوست و در روز قیامت درباره او پرسیده خواهد شد، روزی که:

﴿وَأْتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ

مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾ [البقرة: 48]

{کسی چیزی [از عذاب الله] را از کس دیگری دفع نمی کند و از او شفاعت پذیرفته نمی شود و نه غرامت و فدیة گرفته می شود و نه یاری می شوند} [بقره: ۴۸].

اما خطای دوم: زدن بر دُف در عروسی جایز یا سنت است، اگر این برای اعلان عروسی باشد، اما به چند شرط:

شرط نخست: این زدن بر دُف باشد [نه بر طبل و دیگر سازها] که این ساز نزد برخی از مردم «طار» نامیده می شود و از یک طرف بسته است؛

اما آنچه از دو طرف بسته باشد «طبل» است که زدن بر آن جایز نیست، زیرا از آلات موسیقی [حرام] است،

و آلات موسیقی همه اش حرام است مگر آنچه دلیلی بر حلال بودنش باشد، یعنی همان دُف در ایام عروسی.

شرط دوم: همراه با آن امر حرامی رخ ندهد، مانند ترانه برانگیزنده شهوت زیرا این ممنوع است، چه با دف و چه بی دف، چه در عروسی باشد و چه در غیر عروسی.

شرط سوم: فتنه ای مانند آشکار شدن صداهای زیبا [ی زنان] با آن رخ ندهد و اگر چنین شد، ممنوع خواهد بود.

شرط چهارم: این باعث آزار رسیدن به کسی نشود، و اگر باعث آزار رساندن شود ممنوع است. مانند آنکه صداهای عروسی از طریق بلندگوها پخش شود که اگر این باعث آزار همسایگان و دیگران شود که با این صداهای اذیت می شوند [ممنوع است] همچنین خالی از فتنه نیست، و پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازگزاران را از اینکه برخی با بالا بردن صدایشان [در نماز] باعث تشویش بر دیگر نمازگران و آزار رساندن شوند نهی کردند، چه رسد به صدای دف و ترانه خواندن. اما عکس گرفتن از این صحنه، هیچ عاقلی در زشتی آن شک نمی کند و هیچ عاقلی چه رسد به مؤمن، راضی نمی شود که تصویر محارم او و مادر و دختر و خواهر و همسرش را بگیرند تا در معرض دید هر کسی قرار گیرد یا بازیچه هر فاسقی شود که از دیدن آن لذت ببرد، و زشت تر از آن، فیلمبرداری است؛ زیرا این صحنه را به صورت زنده و با صوت و تصویر می گیرد و این امری است که هر صاحب عقل سالم و دین درست آن را انکار می کند، و کسی به خیالش نمی رسد که شخصی که حیا و ایمان دارد این چیز را روا بداند. اما رقصیدن برای

زنان زشت است و ما به سبب حوادثی که به سبب آن میان زنان رخ داده و به ما رسیده، به آن فتوا نمی دهیم، و اگر از سوی مردان باشد زشت تر است زیرا شبیه ساختن خود به زنان است و پنهان نیست که در آن [چه عیوبی] است. اما اگر مردان و زنان مختلط باشند چنانکه برخی سفیهان و کم خردان انجام می دهند این بدتر و زشت تر است زیرا شامل اختلاط و فتنهٔ بس بزرگ است، به ویژه آنکه مناسبت، مناسبت ازدواج و شادی عروسی است. اما اینکه گفتید شوهر به جمع زنان می رود و زنش را در برابر دیگر زنان می بوسد، جای شگفتی است که چنین کاری از مردی سر بزند که خداوند او را از نعمت ازدواج برخوردار کرده و با این کار زشت که از نظر شرع و عقل و مروت کاری منکر است، به پیشواز این نعمت می رود و چگونه ممکن است که خانوادهٔ عروس اجازهٔ چنین کاری را به او بدهند؟ آیا نمی ترسند که این مرد در این جمع زنان، زنی را ببیند که از زن او زیباتر و آراسته تر است و اینگونه زنش از چشم او بیفتد و فکرهای زیادی به سرش بیاید و فرجام او و همسرش به جای خوبی نرسد؟ در پایان این پاسخ، برادران مسلمانم را نصیحت می کنم که چنین کارهای ناشایستی را انجام ندهند و آنان را فرا می خوانم که برای این نعمت و دیگر نعمت ها الله را شکر گویند و از روش سلف صالح پیروی کنند و به همان چیزی که در سنت آمده اکتفا کنند:

﴿... وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ

السَّبِيلِ ﴿۷۷﴾ [المائدة: 77]

{و از هوس‌های گروهی پیروی نکنید که پیشتر گمراه شدند و بسیاری [از پیروانشان] را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند} [مائدة: ۷۷].

## پرسش هایی درباره بازی کودکان

- بازی ها و برنامه های آموزشی هدفداری برای کودکان وجود دارد ولی غالباً این برنامه ها همراه با موسیقی یا چیزی شبیه به موسیقی است. ما نمونه هایی از این این برنامه ها را داریم که کتاب ناطق نام دارد و دوست داریم با ما این نغمه را بشنوید و نظرتان را در این باره بگویید.

چیزی که من شنیدم آغازش موسیقی است و موسیقی از معازف است که تحریمش بر اساس حدیثی که بخاری در صحیحش از ابومالک اشعری رضی الله عنه روایت کرده ثابت است، آنجا که پیامبر **صلی الله علیه وسلم** می فرماید: «**بی شک در میان امت من اقوامی خواهند بود که زنا و حریر [برای مردان] و خمر و آلات موسیقی را حلال خواهند شمرد**». بنابراین استفاده از آن جایز نیست مگر در صورت حذف این موسیقی. با این حال چیزی که من درباره حکایت صدای حیوانات شنیدم مطابق صدای این حیوانات در واقعیت نیست، برای همین تصویر کاملی برای شناخت صداهای حیوانات ارائه نمی دهد. برای همین به نظر من از آن استفاده نشود، و استفاده از آن با ماندن موسیقی حرام است و اگر موسیقی اش هم حذف شود باز کم فایده است.

- بسیاری از بازی ها حاوی تصاویر حیوانات جاندار است که با دست کشیده شده و هدف از آن معمولاً آموزش است، مانند تصاویری که در این کتاب ناطق بود [حکم آن چیست]؟

پاسخ: اگر برای سرگرم ساختن کودکان باشد، کسانی که عروسک [به شکل موجودات جاندار] را برای کودکان جایز دانسته اند، این تصاویر را نیز جایز می دانند. اما کسی که تصاویر را [مطلقاً] ممنوع می داند این را نیز جایز



نمی‌داند. اما این تصاویر چنانکه من می‌بینم کاملاً مطابق چیزی که خداوند این مخلوقات را آفریده نیست، و مسئله در این باره آسان است.

- پس جناب شیخ این [نقاشی‌ها] اگر برای کودکان باشد اشکالی ندارد. بنابراین چرا نمی‌گوییم که موسیقی موجود در بازی‌ها و برنامه‌های آموزشی هدفمند برای کودکان (کتاب ناطق) نیز چون برای کودکان است اشکالی ندارد و درباره آن آسان‌گیری کنیم؟

در این باره آسان نمی‌گیریم چون در این باره هیچ نظیری در سنت نیامده و چون تحریم معازف عام است و دلیلی برای تخصیص نیامده، و همچنین اگر کودک به لهو و آلات موسیقی عادت کند این تبدیل به خو و طبیعتش می‌شود.

- انواع زیادی از عروسک وجود دارد که عایشه رضی الله عنها آن را «دختر» می‌نامید. برخی از این عروسکها از پنبه ساخته شده و عبارت از کیسه‌ای است که یک سر و دو دست و دو پا دارد و برخی نیز کاملاً شبیه انسان است و برخی از آنها که در بازار فروخته می‌شود حرف می‌زنند یا راه می‌روند یا سینه خیز می‌روند. حکم ساختن یا خرید این نوع از عروسک‌ها برای دختران خردسال برای آموزش و بازی چیست؟

پاسخ: نمونه‌هایی که شکل چهره کاملی ندارد و بلکه برخی از اعضا و سر دارد اما خلقت و چهره آن واضح نیست، این بدون شک جایز است و این از جنس عروسک‌هایی است که عایشه رضی الله عنها با آن بازی می‌کرد.

اما اگر از نظر ظاهر و خلقت کامل باشد انگار انسانی را می‌بینی به ویژه اگر حرکت یا صدا داشته باشد، در باره جایز بودن این عروسک‌ها در دلم چیزی هست؛ زیرا این کاملاً مضاهات و شبیه‌سازی به خلقت الله است و

ظاهر آن است که عروسک هایی که عایشه با آنها بازی می کرد به این شکل نبودند، بنابراین دوری از آن بهتر است. اما آن را به قطع حرام نمی دانم زیرا برای کودکان به چیزهایی رخصت داده می شود که برای بزرگسالان در این امور رخصت داده نمی شود. زیرا کودکان بر بازی و سرگرمی سرشته شده اند و به هیچ عبادتی مکلف نیستند که بگوییم وقتش با لهو و بهبودگی هدر می رود. و اگر کسی می خواهد در این امور جانب احتیاط را رعایت کند سر آن را جدا کند یا آن را روی آتش گرم کند و فشارش دهد تا چهره اش محو شود.

- آیا تفاوتی است بین اینکه این عروسک ها را خود کودکان بسازند یا ما برایشان بسازیم یا آن را برایشان بخریم یا هدیه داده شود؟

پاسخ: من بر این نظر هستم که ساختن آن به شکلی که در آن قصد تشابه به خلقت الله باشد حرام است؛ زیرا این از جمله تصویرگری است که شکی در تحریم آن نیست، اما اگر این عروسک ها از سوی دیگران مثلا نصرانی ها یا دیگر غیر مسلمانان به ما برسد، خریدن آن چنانکه قبلا گفتم است. اما در مورد خرید، شایسته است که چیزهایی بخریم که در آن عکس-جاندار یا به شکل جاندار- نباشد، مانند دوچرخه و اتومبیل و جرثقیل و شبیه آن.

اما درباره [عروسک] پنبه ای که چهره اش مشخص نیست، علی رغم اعضایی که دارد و سر و گردن دارد اما چشم و بینی ندارد، این اشکالی ندارد؛ زیرا این مشابه سازی به خلق الله نیست.

- حکم ساختن این عروسک ها با خمیر مجسمه سازی و سپس فوراً خمیر کردن آن چیست؟

پاسخ: هر کس که چیزی را بسازد و با آن با خلقت الله همانندسازی کند در این حدیث داخل است: «پیامبر صلی الله علیه وسلم تصویرگران را لعنت نمودند...»، «شدیدترین عذاب روز قیامت برای تصویرگران است»، اما چنانکه گفتم اگر تصویر -و شکل و صورت- واضح نباشد یعنی چشم و بینی و دهن و انگشت نداشته باشد، این تصویر کامل نیست و مشابه سازی با خلقت الهی نیست.

- وقتی که کودکان با هم بازی می کنند و پسر در نقش پدر بازی می کند و دختر در نقش مادر، آیا بگذاریم این کار را بکنند یا باید آنان را منع کرد؟ و چرا؟

نظر من این است که آنان را از این کار منع کرد زیرا شاید کودکان کم کم [از روی تقلید کار والدین] با همدیگر بخوابند و سد این باب در همین آغاز بهتر است.

- برخی از داستان ها هست که هدف از آن آموزش یا سرگرم ساختن کودکان است و شکل های گوناگون دارد. مثلا برخی از این داستان ها حیواناتی را به تصویر می کشد که سخن می گویند. مثلا برای آنکه کودک بداند که دروغ عاقبت بدی دارد حکایت روباهی را می آورد که خود را پزشک معرفی می کند تا مرغ را فریب دهد سپس آن روباه به دلیل دروغش در چاله ای می افتد. نظر شما درباره این نوع داستان ها چیست؟

پاسخ: در این باره من توقف می کنم [و پاسخی نمی دهم]. چون این داستان حیوانات را از آنچه هستند خارج می سازد و حیوانات در این داستان ها سخن می گویند و معالجه می کنند و مجازات می کنند. شاید هم گفته شود منظور در این جا ضرب مثال است. برای همین من در این باره متوقف هستم و چیزی نمی گویم.

- نوع دیگری از داستانها هم هست که مادر مثلا یک داستان که امکان وقوعش هست را برای کودکش تعریف می کند اگر چه این داستان رخ نداده، مثلا می گوید: کودکی بود به نام حسن که به همسایه هایش آزار می رساند. او از دیوار آنها بالا رفت و افتاد و دستش شکست. حکم این نوع از داستان ها که کودک از خلال آن با برخی از اخلاق های نیکو و خصلت های پسندیده آشنا می شود چیست؟ آیا این دروغ به شمار می آید؟

پاسخ: به نظر می رسد که اگر گفته شود این از سبیل مثال است مانند آنکه گفته شود: کودکی یا پسری یا مانند آن - بدون آنکه نام مشخصی داشته باشد و بدون آنکه طوری وانمود شود که انگار این حادثه رخ داده . اشکالی نداشته باشد؛ زیرا این از باب مثال است نه امری که رخ داده و در هر حال چنین چیزی اشکالی ندارد زیرا سودمند است و زیانی ندارد.

- در برنامه درسی مدارس از کودک خواسته می شود که نقاشی حیوانات جاندار و ذی روح را بکشد یا مثلا قسمتی از تصویر یک مرغ به او داده می شود و گفته می شود که بقیه تصویر را کامل کن و گاه از او خواسته می شود که این تصویر را قیچی کند و روی کاغذی بچسباند یا عکسی به او داده می شود و خواسته می شود که آن را رنگ کند. نظر شما در این باره چیست؟

پاسخ: به نظر من این کار حرام است و باید از آن جلوگیری شود و برای مسئولان آموزش و پرورش لازم است که در این باب امانتداری کنند و از این کارها جلوگیری کنند. و اگر می خواهند قدرت هوش دانش آموز را بسنجند می توانند بگویند که مثلا تصویر یک اتومبیل یا درخت یا چیزی شبیه به آن را که به آن آگاه است بکشد و اینگونه میزان هوش دانش آموز و توانایی مطابق سازی اش تشخیص داده می شود. این از جمله چیزهایی است که مردم به واسطه وسوسه های شیطان دچارش شده اند و گرنه

دربارهٔ مهارت نقاشی تفاوتی بین این نیست که انسان تصویر یک درخت را بکشد یا تصویر یک قصر و خودرو یا انسان.

بنابراین نظر من این است که مسئولان باید از این چیزها جلوگیری کنند و اگر مبتلای این امر شدند و دانش آموزان مجبور شدند، حیوانی بدون سر را نقاشی کنند.

تصاویری که در کتابهاست را باید مخدوش کرد؟ و آیا قطع سر در تصویر با گذاشتن یک فاصله میان سر و بدن، حرمت آن را از بین می برد؟

پاسخ: به نظرم مخدوش کردن آن لازم نیست؛ زیرا این کار مشقت بسیار دارد و همچنین برای هدف از این تصاویر، علمی است که در آن است و گذاشتن یک خط بیان گردن و بدن باعث نمی شود این تصاویر از آنچه که هست تغییر کند.

- شاید کودک اگر در مدرسه این نقاشی ها را نکشد نمره نگیرد و مردود شود.

پاسخ: اگر اینطور باشد این کودک در حکم مجبور است و گناهِش بر کسی است که او را به این کار امر کرده و مجبورش کرده است. اما من به مسئولان امیدوارم که کار به اینجا نکشد و بندگان الله را مجبور به معصیت او نکنند.

- در برخی از مهد کودک ها کسانی هستند که کودکان تا سن پنج یا شش سال را آموزش می دهند و در آنجا دخترها و پسرها مختلط هستند. در چه سنی برای این کار اجازه هست؟ بسیاری از کسانی که در این اماکن وظیفهٔ آموزش را بر عهده دارند زنان هستند که به دخترها و پسرها آموزش می

دهند. نظر شما در این باره چیست؟ زنان اجازه دارند کودکان [پسر] را تا چه سنی آموزش دهند؟

پاسخ: نظر من این است که این مسئله برای بررسی به هیئت علمای بلندپایه ارسال شود؛ زیرا این ممکن است دروازهٔ اختلاط را در آینده باز کند. اما از این نظر که کودکان [دختر و پسر] با هم باشند، این در اصل اشکالی ندارد، اما می‌ترسم که این نقشه ای باشد که بخواهند از طریق آن به جاهای بدتری برسند و این چیزی است که به نظر من می‌آید و علم آن نزد الله است؛ برای همین لازم است که در مورد این مدارس به هیئت علمای بلندپایه فرستاده شود تا مورد بررسی قرار گیرد یا برای جهات مسئولی فرستاده شود که بتوانند پس از بررسی از آن جلوگیری کنند.

- در برخی از مدارس دانش آموزان پسر و دختر از هم جدا هستند اما معلمان پسران و دختران همه از زنان هستند. زنان تا چه سنی اجازه دارند که به دانش آموزان پسر آموزش دهند؟

پاسخ: این همانطور است که گفتم: باید از هر آنچه حول محور اختلاط می‌چرخد - هرچه باشد - جلوگیری شود.

## پرسش‌هایی دربارهٔ لباس کودکان

- بسیاری از لباس‌های کودکان دارای تصاویر موجودات روح‌دار است و برخی از این لباس‌ها از جمله لباس‌هایی است که به آنها بی‌احترامی می‌شود مانند کفش و لباس زیر کودکان سه‌ساله و برخی نیز مورد بی‌احترامی نیست بلکه از آن محافظت می‌شود و تمیز نگه‌داشته می‌شود. حکم این لباس‌ها چیست؟

پاسخ: علما می گویند: هر آنچه پوشیدنش برای بزرگسال حرام است، پوشاندنش به کودک نیز حرام است، و لباسی که دارای تصاویر ذی روح است برای بزرگسال حرام است، بنابراین پوشاندن به کودک نیز حرام خواهد بود. شایسته مسلمانان است که امثال این لباس ها و این کفش ها را تحریم کنند تا آنکه اهل شر و فساد از این ناحیه به [جامعه] ما نفوذ نکنند و اگر این لباس ها تحریم شود آنان دیگر راهی برای رساندن کالاهایشان به این سرزمین نخواهند یافت و این مسئله نزد آنان آسان خواهد شد.

- آیا پوشاندن آنچه مخصوص دختران است مانند طلا و ابریشم به پسرچه ها و برعکس آن جایز است؟

پاسخ: این را از پاسخ اول می توان دانست. گفتم که علما می گویند: هر آنچه پوشاندنش به بالغ حرام است، برای کودک نیز حرام است. بر این اساس، پوشاندن آنچه مخصوص دختران است به پسر بچه ها حرام است، و همینطور برعکس [پوشاندن آنچه مخصوص پسران است به دختران].

- آیا اسبال لباس برای پسران نیز در این امر داخل است؟

پاسخ: بله، داخل است.

- و آنچه از جمله شبیه ساختن خود به کافران است مانند کلاه و شلوار؟

پاسخ: این یک باب دیگر است. اینکه مسلمان خودش را به کافران شبیه سازد، چه در لباس باشد و چه در امور دیگر، حرام است و در این مورد فرقی میان مرد و زن و کودک و بزرگ نیست؛

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هرکه خود را به قومی شبیه سازد از آنان است»؛

و همچنین برای آنکه مسلمان باید شخصیتی قوی داشته باشد که او را از پیروی از دیگران باز بدارد، زیرا مسلمان برتر است و دینش نیز برتر است، همانطور که الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: 139]

{سست نشوید و اندوهگین نگردید؛ و [بدانید که] اگر ایمان داشته باشید، شما برترید} [آل عمران: ۱۳۹]،

و می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: 33]

{او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همهٔ دین ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند} [توبه: ۳۳].

- آیا برای کودکان - پسر یا دختر - پوشیدن لباس های کوتاهی که ران آنها را آشکار می سازد جایز است؟

پاسخ: مشخص است که کودک زیر هفت سال عورتش حکمی ندارد، اما عادت دادن کودکان به این لباس های بی شرمانه کوتاه بدون شک باعث می شود که در آینده آشکار کردن عورت برایشان ساده به نظر آید،



بلکه شاید شخص از آشکار کردن عورتش خجالت نکشد چون در کودکی آن را آشکار می کرده و برایش مهم نبوده،

در این صورت نگاه مردم به عورتشان از نظر حرمت و شرم مانند نگاه به چهره آنان خواهد بود،

بنابراین نظر من این است که کودکان را - اگر چه کودک هستند - از پوشیدن چنین لباس هایی باز بدارند و لباسی موقر را که از هر محذوری دور است بپوشند.

- سوراخ کردن گوش دخترچه برای آنکه زینت طلا مانند گوشواره به او آویزان کنیم چیست؟ آیا این کار شامل مُثله و شکنجه نمی شود چنانکه برخی از فقها گفته اند؟

پاسخ: قول صحیح این است که این کار اشکالی ندارد زیرا این یکی از مقاصدی است که زینت مباح با آن حاصل می شود و ثابت است که زنان صحابه در گوش های خود گوشواره داشته اند و درد آن، درد ناچیزی است و اگر در کودکی انجام شود خیلی زود از بین می رود.

- و آیا این قول بر سوراخ کردن بینی هم منطبق است؟

پاسخ: بله، نزد کسانی که این [یعنی بینی] را محل زینت می دانند.

- تراشیدن موی نوزاد دختر به هنگام تولد یا پس از آن برای بلندتر شدن و پرپشت شدن مویش چه حکمی دارد؟ و آیا تراشیدن موی نوزاد دختر در هنگام تولد همانند نوزاد پسر سنت است؟

پاسخ: تراشیدن موی دخترچه مانند موی پسرچه در روز هفتم سنت نیست، اما تراشیدن موی او برای مصلحتی که ذکر کردید اگر درست باشد،

علما می گویند که تراشیدن موی دخترچه مکروه است، اما شاید گفته شود: اگر ثابت شود که این کار باعث تحریک موها و پریشت شدن آن می شود اشکالی ندارد، زیرا معروف آن است که حکم مکروه در صورت نیاز، برطرف می شود.

- سنی که در آن باید زن در برابر پسرچه حجابش را رعایت کند چیست؟ آیا سن تمیز معتبر است یا سن بلوغ؟

پاسخ: الله تعالی در سیاق ذکر کسانی که نمایاندن زینت در برابر آنان مباح است می فرماید:

﴿... أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ...﴾ [النور: 31]

{یا کودکانی که [به سبب خردسالی] بر عورتهای زنان اطلاع نیافته اند} [نور: ۳۱]. و کودک اگر از عورت زنان مطلع شد و [از روی توجه] به آن نگریست و زیاد درباره آن سخن گفت، دیگر برای زن جایز نیست که در برابر او بی حجاب باشد. و این بر حسب پسران و غریزه شان متفاوت است و همینطور بر حسب تفاوتی که پسران به سبب هم نشینی با دیگران با یکدیگر دارند؛ زیرا شاید پسری به سبب آنکه نزد کسانی که زیاد درباره زنان حرف می زنند نشسته نسبت به زنان آگاهی یافته، و اگر اینطور نبود توجهی به زنان نمی کرد. المهمم آنکه الله این امر را اینگونه تعیین کرده است: {یا کودکانی که [به سبب خردسالی] بر عورتهای زنان اطلاع نیافته اند}، یعنی: آنان از جمله کسانی هستند که برای زن حلال است زینت خود را برای آنان نمایان سازد، یعنی در صورتی که از عورت زنان مطلع نباشد و به امر زنان اهمیت ندهد.

- آیا لمس آلت کودک برای شستن او و پاک کردن از نجاست، وضو را باطل می‌کند.

پاسخ: این وضو را باطل نمی‌کند.

- آیا برای پدر یا مادر جایز است که کودک را در صورتی که مرتکب خطایی شود با زدن او یا گذاشتن چیزی تلخ یا تیز مانند فلفل در دهانش تنبیه کنند؟

پاسخ: تادیب کودک با زدنش جایز است، البته در صورتی که به سنی رسیده باشد که با زدن ادب شود و این غالباً سن ده سال است، اما گذاشتن چیزی تلخ یا تیز در دهانش جایز نیست؛ زیرا این شاید بر او اثر بد بگذارد و شاید به سبب این کار در دهانش آفت ایجاد شود یا باعث گرمای معده اش شود. و از این زیان بسیاری رخ می‌دهد بر خلاف زدن او؛ زیرا زدن بر ظاهر بدن اثر می‌گذارد و اگر باعث ادب شدن شود و زدن شدید نباشد اشکالی ندارد.

- برای کمتر از ده سال چگونه؟

پاسخ: در صورتی که کمتر از ده سال باشد نگرسته می‌شود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم زدن را برای ترک نماز در ده سالگی مباح ساخته اند، بنابراین در صورتی که کمتر از ده سال دارد نگاه می‌کنیم؛ شاید کودکی که کمتر از ده سال دارد فهم و هوشش و رشد بدنی اش در حدی باشد که زدن و توبیخ و تنبیه را تحمل کند و ممکن است اینطور نباشد.

- آیا اشکالی دارد که مادر و پدر، کودک خردسال خود را به حفظ قرآن ببرند چون ممکن است کودک در دستشویی یا وقت قضای حاجت قرآن

بخواند یا به شکلی که شایسته قرآن نیست قرآن را بخواند علی رغم آنکه بارها به او تذکر داده شود؟

پاسخ: بله، شایسته مادر و پدر است که برای کودک خود قرآن بخوانند و به او هشدار دهند که در چین اماکن ناشایستی قرآن نخواند. و اگر چنین چیزی رخ داد آنان - یعنی کودکان - مکلف نیستند بنابراین گناهکار نمی شوند و پدر یا مادر اگر شنیدند که کودک در محل نامناسبی قرآن می خواند به او می گویند و توضیح می دهند که این کار جایز نیست. و در صحیح بخاری ثابت است که عمرو بن سلمه جرمی رضی الله عنه در حالی که شش یا هفت سال داشت برای قوم خود امامت نماز می کرد، و این در دوران پیامبر صلی الله علیه وسلم بود.

اگر کودکان در یک زمین وسیع متصل به خانه که داخل دیوار خانه است بازی کنند، حدیث جلوگیری از خارج شدن کودکان در وقت مغرب یعنی هنگام پراکنده شدن شیطان بر اینجا هم منطبق است یا این فقط درباره خیابان ها [و کوچه های] بیرون از خانه است؟

پاسخ: حدیث درباره خیابان بیرون از خانه است، اما داخل خانه اشکالی ندارد.

- آیا برای زن واجب است که در هنگام نماز از گذاشتن کودک کم سن و سال در برابر خود جلوگیری کند؟ چون این مسئله بارها در هنگام نماز رخ می دهد و پس راندن او باعث می شود خشوعش در نماز از بین برود و اگر تنهایی [در اتاقی دربسته] نماز بخواند می ترسد که به کودکش آسیبی برسد.

پاسخ: در این حالت اشکالی ندارد که اگر بسیار از برابری عبور می کند و می ترسد که اگر جلوگیری کند نمازش تباه شود، بگذارد که عبور کند،

چنانکه علما رحمهم الله گفته اند، اما در این حالت شایسته است که به او چیزی بدهد که مشغول آن شود و اطراف خودش باشد، چون اگر به کودک چیزی بدهی مشغول آن می شود و حواسش از جاهای دیگر پرت می شود، اما اگر بودنش با مادر به دلیل گرسنگی یا تشنگی است بهتر آن است که نمازش را به تاخیر بیندازد تا نیاز کودک برطرف شود سپس به نماز پردازد.

## الفهرست

- 1 ..... مجموعه پرسش هایی مهم برای خانوادهٔ مسلمان
- 3 ..... مقدمه
- 4 ..... استفاده از کلاه گیس
- 5 ..... کندن مو
- 6 ..... برجسته ساختن مو بر روی سر
- 8 ..... زن در یک حدی خود را زیبا می سازد و آرایش می کند
- 11 ..... پوشیدن جین از تشبه (شبيه ساختن خود به کافران) نیست
- 13 ..... مدل مو
- 14 ..... لایه های روبنده
- 15 ..... استفاده از زیپ برای لباس زنان
- 16 ..... زن چهره اش را در حرم آشکار نمی کند
- 17 ..... لباس های کوتاه
- 17 ..... منظور از موی کج
- 19 ..... خلوت کردن زن با رانندهٔ مرد
- 23 ..... روشهای متنوع زیباسازی
- 25 ..... سخن گفتن زن با مردان
- 30 ..... چهره، محل فتنه است
- 33 ..... بیرون آوردن بازو جایز نیست

- 34 ..... استفاده زن از عطر در بیرون از خانه
- 35 ..... ضوابط زندگی چند خانواده در یک خانه
- 37 ..... منع کردن از نقاب
- 38 ..... میان زن و شوهر هیچ عورتی وجود ندارد
- 40 ..... وقتی که زن مجبور به برداشتن حجاب می شود
- 42 ..... لباس شرعی
- 43 ..... لباس های کوتاه
- 44 ..... آشکار کردن چهره در اتومبیل
- 45 ..... سلام گفتن به زنان
- 47 ..... مسائل خاص
- 48 ..... وجوب پوشاندن چهره
- 50 ..... رفتن زن به نزد پزشک
- 51 ..... جایز بودن خلوت در صورت ضرورت
- 51 ..... آمدن نابینا به نزد زنان
- 52 ..... آموزش مختلط جایز نیست
- 54 ..... کار زن همراه با مردان
- 56 ..... کار مباح
- 56 ..... نگاه کردن به چهره هنرپیشه ها و خواننده های زن جایز نیست
- 64 ..... فتاوی ازدواج

88	.....	پرسش های دربارهٔ بازی کودکان
94	.....	پرسش های دربارهٔ لباس کودکان
102	.....	الفهرست